ShivaDoc.com

و دخنه کند به بخور مذکور و بخور را قطع نکند که ظاهر شوند بران مایده ها بر چهار
صورت مایله هر یکی ایستد پس خوان خود هر جا هی که بینی ایشان را بجنان
ایستاده روی بگردان و نظر مکن بسوی ایشان و بگوی دنیدا
عنوش ماهندانش اوملیانش دنیدونانش
دنیدونانش بنحیلانش مهدریوش
حرمانیش مبعراش فردانوش درومالیش
ابروبانش بلهمومویوش هرگاه که از طعام حظ خود را
بگیرند و بوی کنند و بخورند از ان طعام چیزی را که دوست دارند سخن
گوید ترا روحانیت ایشان بسمع و طاعت و دران ساعت از تو عهد
می خواهند عهد ایشان را بدهی بعد از ان ایشان باز گردند و حال این
باشد که داده باشند فتوحات غالب قاهر خود را بتو و بعد از ان بگیر از ان طعام
و بده هر کس که تو میخواهی و زنان را مده پس هر جا هی که خواهی استعانت
با ایشان در علمهائی که ایشان مستولی اند هر کدامی خواهی ازین ارواح
بیند از از بخور مکتر آتش اگر خواهی استعانت بهمه ایشان بگوی
دنیدا عنوش زبدونانش حرمارانیش زرومالیش

بعنو

ShivaDoc.com

بعفونافاش سندریوش ماطیقوش ایها العلویون
الحکماء القاهرون المنتقمون احضرونی واعینونی بعد از آن هر
چیزی را که میخواهی نام آن چیز را بگوی از هزیمت عساکر و تسلیط عذاب
بر اهل مدینه یا بر عسکر ما آوردن باموال عظام یا طعام یا شراب یا هر چه خواهی
نام آن چیز را گوی بدرستی و راستی آن چیزی را موجود می کنند زودتر از
طرفة العین و اگر میخواهی یکی از اینها از برای عمل خاص نام آنرا تنها گوی
و بعد از آن نام وی بگوی لفنونا ش سندریوش
ماطولش حاضر بگنید پیش من فلانرا و فلانرا بیارید بر من فلانرا و
فلان را و نام آن عمل را بگوی با ایشان که بدان قادر اند بدرستی که او می آرد
بر تو زودتر از چشم زدن بعد از آن در هر ماهی طعامی بنه بر صفت مذکوره
و اگر خواهی که هر یکی را تنها بخوانی نام آن یکی را بخوان و خوان و بر اندر بران
وجه مذکور بعد از آن دعوت کس و نام و بر آگوی و بخوان آن کلمات را
در آخر این اسم که ذکر کردیم اگر دعوت از برای دیندا غوش بگوی
دنیزا غوش معرانیش تا بآخر کلمات اگر دعوت از برای دروماليش بگوی
ملیاریش تا آخر کلمات بعد از آن گوی نفندا غوش هرمالوش

ShivaDoc.com

هندونانش مدری باش بادر نوش مهر و نوش
هیمور نیش ندمیانیش مل روالاش اولی ناش بدرستی
وراستی که یکساعت نگذرد که حاضر شود وزود پس خوان خود بنشیند
بسروی بگردان ازوی تا آن غایت که قضا کند حاجت خود را ازان
طعام بعد ازان سخن می گوید بتو طلب کن حاجت خود را بخواه ازوی تسلیط
برانسان یا بلا یا عذاب اگر دعوت نشنید و ناش بود بخواه ازوی
هرچیزی که از متاع دنیا مال و زر و نقره و هرچه خواهی فی الحال حاضر
کنند و اگر دعوت حرمار انیش بود بخواه ازوی قتال قوم و هزیمت
عسکر در حال همچنان کند که میخواهی و اگر دعوت در رومالیش بود و خواهی
که ترا نگاه دارد از همه آفتها و بلاها و بلاد و عسکر ترا نگاه دارد در حال و هر جگاه
خواهی که دعوت این بکنی بیند از از دخن وی اندکی در آتش و نام وی را
بگوی و بعد ازان بخوان بجنو فاش مندر بوش ماطیر اوش
احضر عندی فی هذه الساعة چون حاضر شود بگوی آنچه میخواهی
همین دم بکند و اجابت کند و بعد از دعوتها هرچه فرمائی کند والله اعلم

بیان تسخیر عنیه

ابن طلام

ShivaDoc.com

این کلام مجرب است و معلوم و معروف است بدانکه عینه ملک است بصد هزار
بار هزار با بند راز دیو و پری و همه علمها بدین کلام بتوان کردن اما
اندرین تنجیم اول باید که سه روز روزه داری و روز اول که روزه گرفتی بصحرا روی م
و گلی که مورچگان از مورچه خانه بیرون آورده باشند بگیر و بیار و بپز
و از وی مندل بساز و زعفران و خلوف بروی باش تا خوش بوی
شود و بیست و یک خط بکش و بر هر خطی یکبار این عزیمت را بخوان و
تیغی پولاد با سوری فرو بری و سه شب در میان مندل شوی و هر
شب مرغی قربان کنی و صد بار این کلام را بخوانی و بیرون آئی چون شب
سیم شود غسل کن و جامه پاک بپوش و خود را خوش بوی کن و مندل را هم
خوش بوی کن و در میان مندل شو و همچنان روزه دار باش از پس
نماز خفتن عزیمت آغاز کن و شب این هر مرغ قربان کرده را بیاویز
بر خط اولین بر سر چوب نی و بر سر خطی یک چراغدان بنهی یعنی بیست و یک
چراغ و مشک و زعفران و عنبر و عود و مقسط و بلیل و گرگر و بوی
خوش بر آتش افکن و از درون منطقه هفت تعویذ بنویس بر حریر سپید
دگر بر کز خط از درون بر سر نی آویزی و چون صد بار این عزیمت را

ShivaDoc.com

بخوانی با آواز بلند و حربتی پولاد بروی خاتمی نویسد یا خاتم پولادی بی حاضر
باشد بر مثال مور چکان و زمین جنبیدن گیرد و هول و فزعی در تو پیدا شود
و مندله زیر و زبر شدن گیرد و از هر جانب میل کردن آغاز کند و ترا چنان
نماید که بر سر موج آبی گاه بر آسمان بر می شوی و گاه بزیر آب می روی چشم
بدل خود گیرد و دل بخواندن دارو محکم بر جای می باشد و دخنه می سوزد
پس چندانکه مار ارقم بیاید کارد از عینه بیری دراز موی بر سر شیری نشسته
و راسی در دست گرفته و پیش خط تو بایستد و بانگ زند بهول و بخروشد
سخت و آتش در روی تو بدمد چنانکه همه جهان بر آتش نماید دل قوی
دار و مترس و مندله استوار داری و دخنه می سوزد پس برسد که چه میخواهی
بگوی طاعت ترا میخواهم و اجابت عینه گوید طاعت آوردم و بارهٔ پوست
نی یا برگ کرنج در خط انداز و بر روی سه نقش کرده چنین

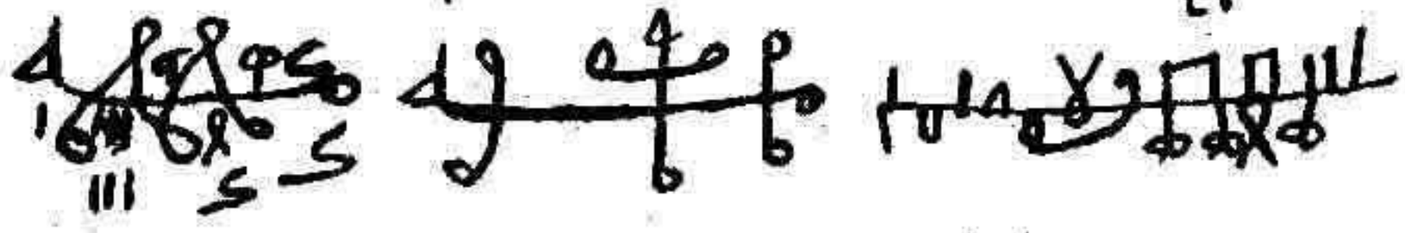

و این نقش کرده را که وی بتو دهد پس خود بنه و سوزن پولاد در روی فرو
برو بگوی که حضور عینه خواهم تا سوزیدن گیرد تو دست از دخنه سوختن

باز ونزع نمودن گیرد

ShivaDoc.com

باز مدار و دل بعزیمت خواندن دار ساعتی تا عینه بدید آید برهنه باشد
و موی او زرد بود و پای او چون پای مرغ و دم چون دم طاوس و اندام
دیگر چون اندام زنان برهنه باشد پس تو رو و تو رو خروس سفید قربان
کن و از خط بیرون انداز و عزیمت طاعت و اجابت بخوان باز پرسد
چه میخواهی تو بگوی فلان حاجت میخواهم گوید روا کنم بگوی این سرک از حال
خود بگردان اگر سبز باشد زرد شود و اگر زرد باشد لعل شود و این اجابت بود
هرچه از وی خواهی بکند از خیر و ضمایر آگاه کند و هرچه خواهی بیارد و اگر تسلیط
خواهی بدهد و اگر حضور خواهی بیارد و اگر برین عمل خواهی معونت کند و
بعد از آن اگر عمل خواهی پارهٔ خاک سیاه و ام بدهد که نگاه داری هرگاه خواهی
که عمل کنی پارهٔ از آن خاک بر روی آب افکن در حال بتو عینه حاضر شوند و
در آنچه فرمائی بکنند و در هرگاه که خواهی قوت و یاری دهند و بکنند از مودت
و محبت و هیچ تسلیط و حضور و بیان و سحر و سرقه و سوا و عقد شهوت
و حل و صرع و به شدن بیمار و مسلط کن بر هرچه خواهی و هرگونه که خواهی بکنند
و بیارند عزیمتی که بر خطهای مدله نویسی اینست

بسم الله الرحمن الرحیم عزیمت علیکم بما عزم به سلیمان

ShivaDoc.com

بن داود علیهما السلام علیکم العهود والمیثاق بالله العزیز الکریم
العظیم الاعلی الارفع الاجل الاکبر الاکرم جبار السموات
والارضین یا من قهر به عیات العیاطین یا شافعین
لامر الله وطاعت لکل الله وطاعتی بالله القوی لا اله
الا هو الحی القیوم بما امرتکم اجیبونی واطیعونی بتمام
الاجابة وآیة الکرسی نیز بنویسد بر هر خط این عزیمت
وبر هر خطی یکبار بخواند وصورتی باتیغی فرو برد با پیکانی و
شکل مندله مدور باید واز یک طرف علمها واز یک طرف دخنه ودر طرف
عزیمت ودر یک طرف دیگر نیز کاردها یا سوزنها یا پیکانها وعزیمتی
که بر چراغدان بنویسی اینست

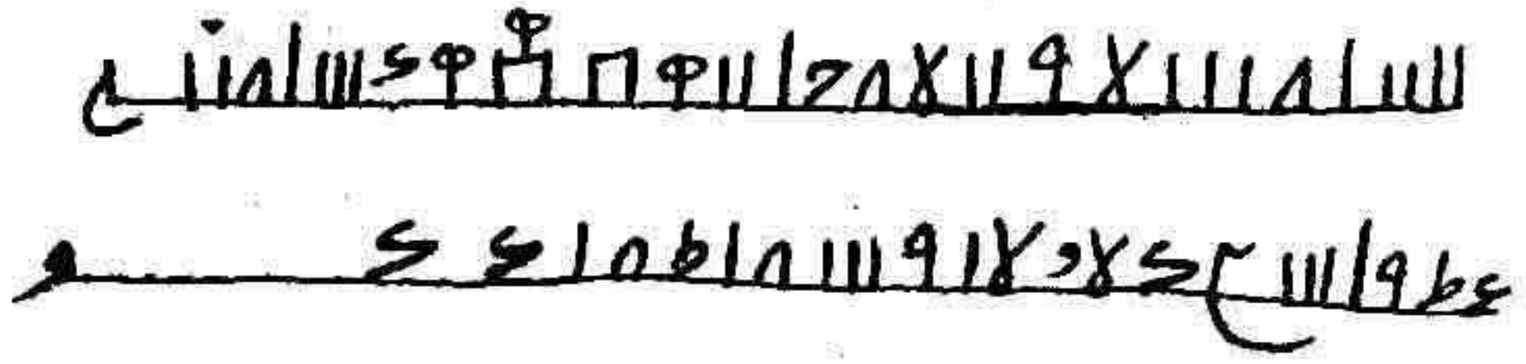

وعزیمتی که بر بلیتها بخوانی اینست ایها التوابع والزواج
بحق ما تکلمت به کلامنا یا ماموفقا ان تحرقوا قلب فلانة بنت فلانة

ShivaDoc.com

بوسواس فلان بن فلانه هیهوهه هیهوهه
حندریساهیه هوهریه هیه هیا محیاس
سدهه کل هوهه وعزیمتی که بر تعویذ از بهر علم
باید نوشتن اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
وبعزة الله والجبروت لله والکبریاء لله الله حارزنا
ودولتنا وحافظنا الله معینی وناصری فی یمینی وشمالی
وخلفی وقدامی وفوقی وتحتی سیر النبوة محمد صلی الله علیه
وآله وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فا
غشیناهم فهم لا یبصرون الا الی الله تصیر الامور یا نعم
المولی ونعم النصیر یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا
قیوم یا آذونای صباوت ایل شدای یا معین نوشیا
یا موسطیثا یا احکم الحاکمین نقش حربه اینست

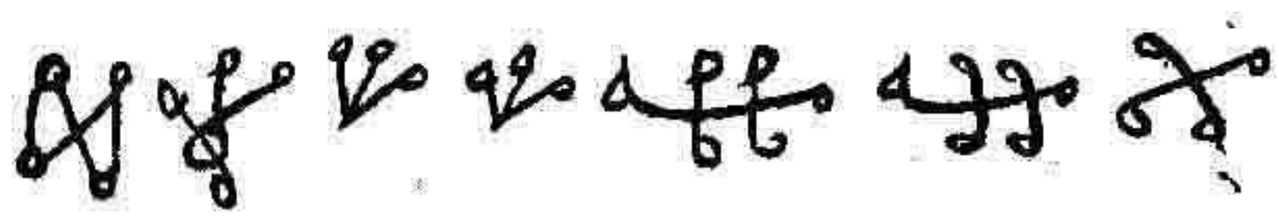

لشعطهیا لعسطسطیا لحقی یهطا

ShivaDoc.com

سعسعلم کسهوا احیی یا عینه بحق آل الجن وا
لشیاطین صورت عینه اینست در وقت رویت والله اعلم

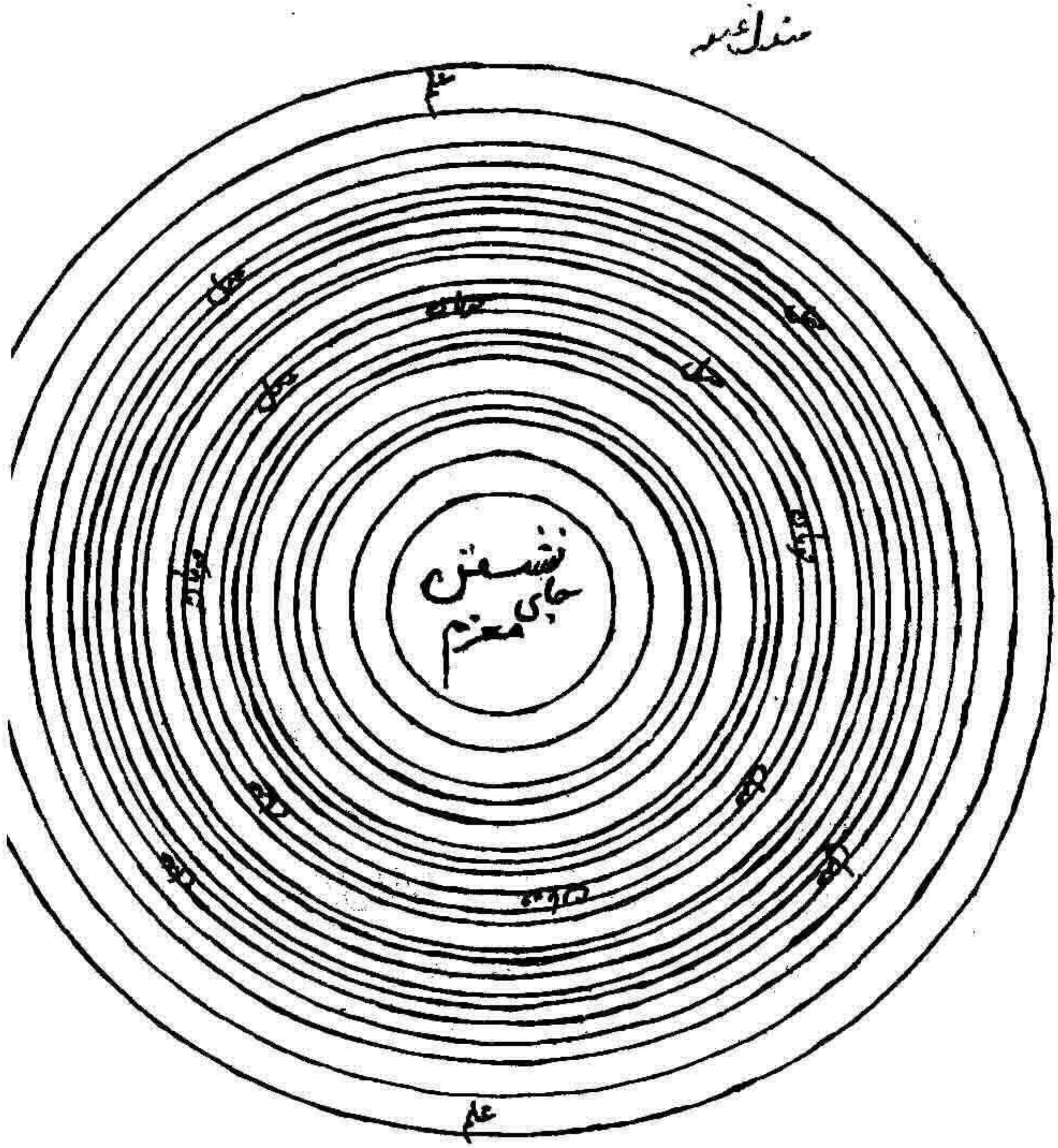

ShivaDoc.com

تسخیر نوع دیگر

اگر خواهی که پریان را حاضر کنی و از ایشان چیزها بخواهی و مقصود بیابی و
هر کرا خواهی از دور بیارند و پیش تو حاضر کنند باید که مندله بسازی و هفت
خط بکشی بسه کارد و هفت کارد فرو بری بهر خطی و میان هر خط باید که
شه گز در شه گز جای بود پس دخنه مریم بساز از سپید انجیر خسته زرد آلو
نمک سیاه افیون طلق تخم بنگ بشنگ بزر سرخ
در کاسه آب نارسیده افکند و دخنه میسوزد و هفت چراغدان سبز روغن
نفط بر کند و برافروزد و بر پلتیها بنویسد بمشک و زعفران و روی چراغ
سوی خانه انکس کند و کارد پولاد بگیرد و بر وی بنویسد و پیش خود بزمین
فرو برد و روغن بر می خواند و حربی یا آهن و یا پولاد در دست گیرد و هر شب
هفتاد بار بخواند و پس در میان مندله بخسپد تا روز پس سیم شب طهارت
پاک کند و جامه پاک در پوشد و در میان مندله هفتاد بار بخواند عزیمت پنجم تا
حاضر آیند و اگر حاضر نیایند سوره قل اوحی بخوان تا آخر بیشک حاضر آیند
پریان مغربی قومی که ایشانرا نزد خوشان گویند و بانگ بر زنند و بهای
عظیم کنند و آتش و آب بتو رسانند مگر تا نترسی و زمین را بلرزانند خویشتن را

نگاه

ShivaDoc.com

نگاه داری و چشم فراز کنی و دل بخوندن داری و دخنه میسوزی و در ان نگاه نکنی و محکم برجای می باش پس چون خواهش کردن گیرند کاغذی بر گیر و بروی صورت بکن برین گونه و این رقعه بدان صورت بنویس و این عزیمت بخوان و بران صورت بدم و عزیمت اینست

عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِمَا عَزَمَ بِهِ مَلْعُونٌ اَيُّهَا الدَّنْهَشُ بِحَقِّ مَلِكِ الرُّوْمِ بِحَقِّ هٰذِهِ الْعَزِيْمَةِ اَجِيْبِيْ فُلَانَةَ بِنْتَ فُلَانَةَ اَطِيْعِيْهِ مُطِيْعِهِ طَايِعِيْهِ بِحَقِّ اسْمِ الصَّادِقِ آصَفَ بْنِ بَرْخِيَا وَتُحْمَحُوْنَ لَقَنْيَا وَذَانُوحَ زَرْحِيَا وَبِحَقِّ كَلِمَاتِ النَّجُوْمِ وَالرَّكْنِ الطَّارِقِ وَبِحَقِّ طٰهٰ مَا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لِتَشْقٰى وَبِحَقِّ مُوْسٰى بْنِ عِمْرَانَ اِنْ كَانَ يَهُوْدِيًّا وَبِحَقِّ عِيْسٰى بْنِ مَرْيَمَ اِنْ كَانَ نَصْرَانِيًّا وَجَابِيَا اوه اوه اوه لَا يَلُوْهُ سُبُّوْحٌ اهشبوح سادمشطوح كلح كلح لحح لحح الساعه الساعه بون عزیمت را تمام کنی صورت شغرو بر بس دنهش اکشیده باشی پیش خود بنه بگوی که اکنون سه تن از شما فلانه را پیش من بیارید و این عزیمت را بخوان در حال سه تن برونده باقی بمانند و عزیمت اینست

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَبِمَا عَزَمَ بِحُكْمِ اللّٰهِ بِحَقِّ طَابَ طَابَ صُوْرِيَا بِسْمِ اللّٰهِ جَلَّتْ جَلَّتْ بِكَلِمَاتِ التَّامِّ ثَلٰثَةٌ مِنْكُمْ سه تن حل شوند و تو بجنان

تها

بحق اسم الصادق

وهوالی دوزخ بولاد در میان صورت ۳

ShivaDoc.com

عزیمت را می خوان ایشان بیارند آن چیز را که می خواهی و اگر تسلیط
خواهی از ایشان قومی را بر کار بدانکه تو خواهی بوسواس و بغض
و سحر و عداوت و اگر خواهی که ضمایر یا احوال رفته و هر چه خواهی ترا آگاه
کنند و از جمله علوم و تسخیر و رقیه و پنهانی ها ترا دانا کنند اول از دخنه
سوختن باید که دست نداری و باید که عزیمت را درست خوانی و بر ایشان
نباشی و چون باجابت رسیدی سبب در میان مندله بباشی تا روز و
عزیمت که بیرون مندله نویسی اینست عزمت علیکم با
للّٰه العزیز الجبار الکبیر الاعظم العظیم و علی زخرف طور سینا
فوق القلم و منتهی بن یع السموات و الارض اهیا شراهیا
ازونی اصباوت ایل شدی ایل علیون و بحق توریت و الا
نجیل و الزبور و الفرقان و بحق العظیم الصادق المستقیم
عن علتها که در بلیتها نوشته شود اینست و عزیمت زرک که هر شب
هفتاد بار بخوانی اینست بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم با
عزم به موسی علیه السلام و ذو القرنین و شیث و هابیل و یونس و بحق
القوی و القری و الطعن و بحق الانجیل و التوریت و الزبور و الفرقان

اهیه اشراهیه
ازونای صباوت

ShivaDoc.com

محمد صلی الله علیه وآله وسلم ان کان مشرقیا فاحضر لی وان کان مغربیا فاطیعونی
من ذکر وانثی اکاهل شطیم وشیطان مرید وعاتق شدید بحق
کلمات التامات یا یهود ویا نور ویا بور ویا سمعطیشا معیشا
عایقا بعیشا بوم وخ بورخ عاج سلج بحق انجیل عیسی اشمر
طرهیج مسطر هیج مسطعیج بحق یا بوکاه مشطسیا
طاب طاب حریا بحق زبور داود علیه السلام یا سفیشا تخیشا
تلیشا سطعیشا مورونا غیر هیج مسطلعیج یا خالق البریة
بحق صحف والمنان الهندیة احنده محنده برهی داری
سحی ح ارمن هی یکهی سکهلی سسونده بیونده اکی بحلنده
اهنکر تهنکر سدلش جیحلس هیه هیه کدار کسکنی ملکه
بهی اهار کردی ماره تبلسی سیس سری نیلوهش هریز کوش
جرجر بحق قرآن العظیم یا قومنا اجیبوا داعی الله وآمنوا به
یغفر لکم من ذنوبکم ویجرکم من عذاب الیم ایها الشیطان الرجیم و
جیبنی شدید بکلماتها آزونی اصباوث جبار خالق حی قیوم
بار شدید ملکا عبثا العزیه هنار بار این عزیمت را بخوانند

ShivaDoc.com

واز تسلیط و تهیج محبت و مودت و حل و عقد از و بیاید و اگر بنویسد بر کاغذ و بیارد و نزد
دوستی کند و افزاید محبت را و اگر بنویسد به نیل خام و در زیر درخت سفید ار فرو برد
دشمنی کند و اگر بنویسی و در چیزی و یا در حقه کنی و در زیر کپن دان کرم فرو بری نعوذ بالله
هلاکت باشد و اگر بر پاره جامه انکس بنویسی و زیر پوست خایه مرغ کنی و در مسراح
یا در زیر زمین کنی خواب انکس بفرمان خدای تعالی بسته شود البته و خوابش نیاید
و نه بروز خسبد و نه بشب و اگر بنویسی بر سیب عشک و زعفران و بسوئی و بدیوانه
و مجنون و بیمار دهی زود به شود و اگر طاس مرآتش کنی و بدان بخوانی بیان
سارقه معلوم گردد و برود تا آنجا که دزد باشد و اگر این طلسمات را بخوانی
هر کرا مرغ افتد و بدمی سه بار بخوانی هر آینه بیفتد چه بیفتاد
بگوید که چه می باید کرد الحمد سه بار بخواند و بدمد و هر چه خواهد و هر چه گوید بیازمای
تا بدید آید و در شب باید خواندن و پاک بودن تا عمل راست افتد و شیطان مامور
شوند والله اعلم بالصواب

الفصل فی بیان الجنیات

الحب اگر خواهی که یکی را از عشق خود بی قرار و بی آرام گردانی چنانکه
بکلحظه بی تو آرام نیابد و اگر در بند آهنین بود تواند که بیاید الله بیاید و تا ترا
نه بیند قرار نگیرد بنویس این طلسم را بروز شنبه و در وقت نوشتن باید که شمعی از زهره

ShivaDoc.com

نظری کند بتدریس با بتلیث ولی باید که زهره البته نزدیک بود به بیت شرف
خود و اگر در شرف بود بغایت خوب باشد و بی نظر بود بنویس این آیه را بمشک
و زعفران و بخون کبوتر بلیه بر حریر سپید و بعد از نوشتن بروی بخور کن مقل
ازرق عود قماری مشک از فرناخن دیو زفت برگ سرو کهن داو
زان اینها برابر باید که بود این جمله را بکوبد و با هم برآمیزد و با کثیرا عجین کند
و گویها سازد و در وقت حاجت بر بارش از آن میسوزد و عزیمت دهش را
بیست و یکبار بروی بخوان و آن حریر را در بیج و در دست تخم مرغ سیاه
بکن و پاره روغن زرد در آنجا کن و پاره نقط سفید در آنجا کن و جهل و یک پلیله
سفید بیار و بر هر پلیلی این آیه را بخوان یکبار بسم الله الرحمن الرحیم
لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
رَءُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و سر این تخم مرغ را بموم سپید بگیر و در آن و نام مادر خود
وقتی که آن حریر را می نویسی نام خود و نام وی و نام مادر وی را بنویسی و نام
او را که محبوب است پیش از نام خود باید نوشتن و در جمله حبیبات این شرط است
البته و بعد از آن این تخم مرغ را در گل سرخ بگیر و در آتش انداز تا سه شبانه روز

ShivaDoc.com

در آتش نهد و اگر از شبانه روز بگذرد البته هم هلاک شود و زنهار نگذاری که
بآن مرتبه برسد و این عظیم حجاب است فصل در اعجوبه دیگر
از عملهای حجاب عبدالله هلال حسب بنویس این طلسم را اگر خواهی
که یکی را از عشق خود بی آرام کنی چنانکه اگر نتوانند بلند دیوانه گردد و جامها بر خود
بدرد و بهیچ گونه قرار نیابد تا نتوانند بلند و این بی قراری او تا یکسال باشد
اگر این کس را نه بلند بیار یکی پارهٔ سفال آب نارسیده در وقتی که قمر را
با زهره تثلیث بود و زهره در خانهٔ خود مستولی بود این طلسم را بمشک
و زعفران و مداد و شکر بنویس و بعد از نوشتن که بنام خود و نام
آنکس نوشته باشی بروی بخور کن علک مشاخ پوست نارنج وکل
کتلاب و کنگر دریا اوزان برابر باید که بود و بعد از آنکه بخور
تمام شود آن سفال را در آتش بکشید و نوزده بار سورهٔ قل اوحی بخوانند
و نام آنکس را یاد کند اگر آنکس در بند آهنین بود جمله بندهایش بگسلد
و فی الحال حاضر شود البته و این از عجایبات است و طلم اینست
اَمْنَ اَمْرانِ سَمْعَها وبصرها وحتی فلان بنت فلانه علی
حب فلان بن فلان بحجل بحجل الساعه الساعه الوحا الوحا

نهد که از خوف کنی بود
در پیش آتش

ShivaDoc.com

طلسم قاطع الاطراف

حب نوع دیگر اگر خواهی که یکی را از دوستی دور کردانی چنانکه اگر
در پس صد پرده باشد و جمله عالم بزهد و ورع وی گواهی دهند چنان گردد که
بکلی حظ بی تو آرام نیابد و جمله پرده های زهد و ورع خود را از عشق تو بر خود بدرد
بنویس این طلسم را در اول روز آدینه یعنی در ساعت زهره و البته باید که زهره را
با عطارد یا با قمر تثلیث باشد و زهره در هشتم درجه میزان بود بر پوست
آهو بمشک و بعداد و شکر و شیر بر سرخ و چون نوشته شود بخور کن بروی کند رسید
علک رومی سندروس پوست خشخاش کافور طلق اوزان
این همه برابر چون بخور کرده شود آن نوشته را در پیچ و در موم کن و غسل کن
و بر بازوی راست خود با بریشم سبز ببند و در پیش آنکس برو و چشم خود را بر
زمین دار تا چشم وی بر تو افتد مقصود برآید و اگر نتوانی دیدن او را و شرایط
پیش او رفتن این نوشته شده را در موم کرد و در چراغدان سبز بنه و بر بزند وی
روغن زیت یا روغن گل و روشن کن این چراغ را بخور میسوز و پیش چراغ را
بسوی خانه او بکن و بمان تا تمام شود حقا که هم بود که دیوانه شود و اگر شب

ShivaDoc.com

چنین کنی هلاک کردد و این عمل را بحرام نشاید کردن و طلسم است

محرها و مزسها ان تنزلی لعصعو سلاح و یا مولاه و

یا املاه و یا عاساه و یا عسیاه و یا اه و ا به

الخط الاج ا | الخط الاج ا

نوع دیگر حسب اکر خواهی که کسی را از عشق خود

مبتلا کردانی چنانکه لحظهٔ نیارامد بهار یکی شانه کوسفند و اکر از برای مرد

کنی شانهٔ کوسفند نر و اکر از برای زن کنی شانهٔ کوسفند ماده در وقتی

که زهره را با مشتری نظر تثلیث بود و ان مشتری باید که مستقیم الحال بود

و زهره نزدیک بمشتری به بیت شرف یا در جهٔ اوج بود بنویس بدان شانه بمشک

و زعفران و مداد و شکر و بخور کن بروی کند رسپید عطر کفک دیدا

و علک شاخ و نام وی و نام مادر وی و نام خود و مادر خود را بنویس و در

آتش کن تا بسوزد بهشتک مراد حاصل شود و نوشتنی اینست

الاج الاج الاج XII III الاج و ا ا ا

ShivaDoc.com

نیابد بپارچهٔ کاغذ حریر سفید و روی بنویس بمشک و مداد در ساعتی که زهره
با عطارد مقارن بود و زهره در چهارم درجه میزان باشد یا در تثلیث
بود با عطارد و نام خود را و نام مادر خود را و نام وی را و نام مادر
وی را در آن بلته نیز باید نوشتن و بعد از آن بلته را در پیچند و در چراغدان
سبز بنهند و بسوزند بروغن گل و در وقت سوختن عود هندی بنشانند
اصفهانی گل نار و عنبر بخور کن و بینی چراغدان را بطرف خانهٔ
او کن البته دیوانه شود و هم هلاکت بر نوشتنی است

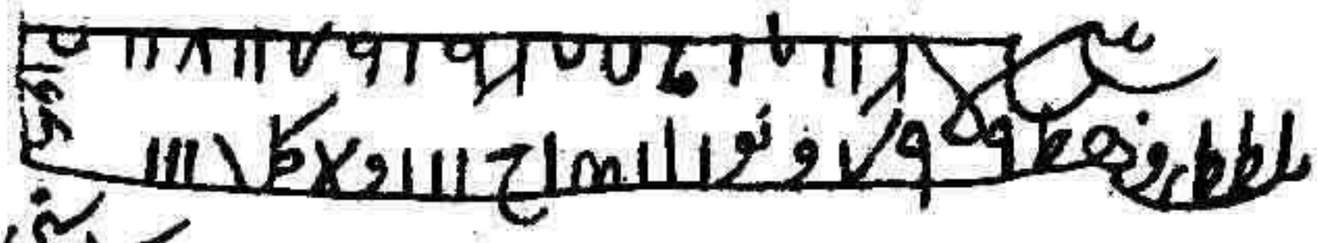

نوع دیگر در حب اگر خواهی که در میان دو کس دشمنی
افکنی چنانکه از عشق یکدیگر خواب آن نیاید بنویس بمشک و زعفران
و عود خام و گلاب در ساعتی که زهره با قمر تثلیث بود و قمر در برج
درجهٔ نور بود و زهره مستولی بود بر پوست آهو یا بر ورق کاغذ
حنطائی و در وقت نوشتن عود و شکر انگشت بر صقل از زرق
و کندر سپید و چون نوشته شود بر سر آتش نهند تا بسوزد آنگاه

ShivaDoc.com

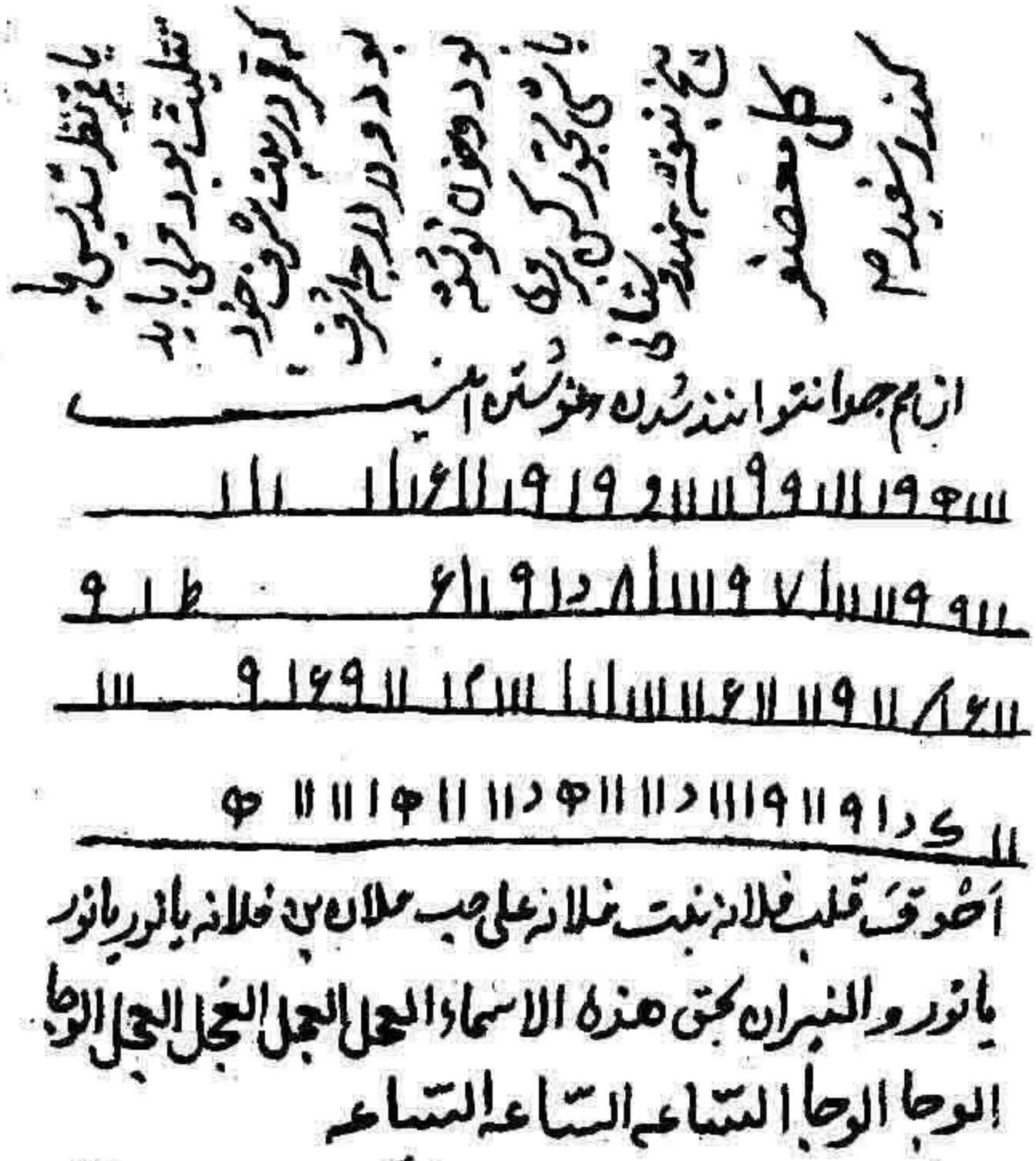

اَحْرِقْ قلب فلانة بنت فلانة على حب فلان بن فلانة يا نور يا نور
يا نور والنيران بحق هذه الاسماء العجل العجل العجل الوجا
الوجا الوجا الساعة الساعة الساعة

نوع دیگر حب — اگر خواهی که یکی را از عشق خود بی قرار
و بی آرام گردانی چنانکه یکلحظه بی تو نتواند قرار گرفتن بهار یکی لوح
از حس و این طلسمات را بران لوح بمشک و زعفران و گلاب و
مدار بنویس در وقتی که مشتری را با قمر نظر تسدیس بود و لی
البته قمر در نهم درجه ثور بود و با مشتری به نحسی ناظر نبود و در
وقت نوشتن بخور کن عود قماری علک رومی سندروس
لادن میسوزد و آن لوح را بر آتش بنه تا سرخ شود و این بخور را نیز

ShivaDoc.com

مبوز تا مانند روز تا مراد حاصل شود

بی شک و عجایب یعنی بقدرت خدای تعالی و طلسم اینست

احرق قلب فلانة بنت فلانة علی حب فلان بن فلانة العجل العجل اسمه

اتاهه الوجا الوجا واه واه واه نوع دیگر حب

اگر خواهی که یکی را مسخر خود گردانی چنانکه لحظهٔ بی تو قرار و آرام نیابد

والبته بی تو نشکیبد و شب تا روز ترا بخواب بیند اگر بخواب رود ولی

پیش تو آن باشد که کند رسید و عود قماری و آن نوشته شده را کند و در آتش دان دفن کند

در هیچ برمثال بلیته و در جراغدان کبود کن و بیفروز بر روغن کنجد تا روغن

کل تا آن وقت که آن بلیته تمام شود بخور میسوز و سورهٔ قل اوحی میخوان

پیم دیوانه شدن باشد و چنان شود که البته بی تو قرار نگیرد و نوشتنی اینست

فصل

باسم فلانة بنت فلانة علی حب فلان بن فلانة

در عقد النوم اگر خواهی که خواب کسی را عقد کنی چنانکه از عشق تو خوابش

و مقل ازرق چندانکه

تواند چون بخور تمام

شود بیار یکی کوزهٔ

فقاع و این تعویذ را با

صورتها در وی کن و مقدار

سی درم سنگ تخت سپید

در وی کند و نیم جو عنبر

و ده درم گلاب در وی

بریز و سر فقاع را استوار

کن و در آتش دان دفن کند

چنانکه دایم گرم بود نه چنا

نکه بجوشد که اگر بجوشد

بقدرت خدای تعالی

دیوانه شود و نوشتنی اینست

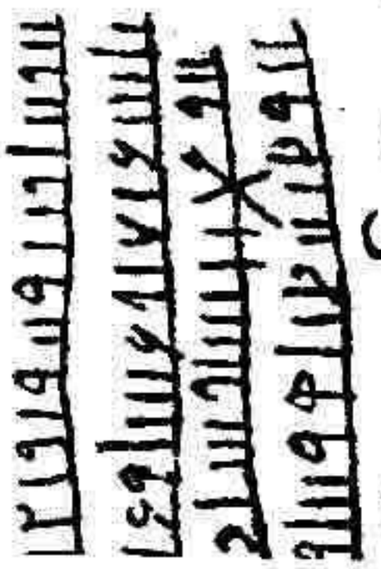

ShivaDoc.com

نیابد و تا تو نکشائی خواب کردن نتواند و دیوانه شود بیار یکی چهار مغز
سه پهلو و تهی کن اندرونش را و بیار یکی پارچه حریر سپید و بخور کن بروی
ناخن و بو علک شاخ و خشخاش و گل نار و مشک زرد و در
حالت بخور کردن این طلسم را بمشک و زعفران و مداد بنویس بر آن حریر بعد
از نماز خفتن در ساعتی که زهره با مشتری مقابله کند و مشتری در خانه خود
بود و نظر نحس نباشد از ستارگان دیگر مرین دور او بعد از آنکه نوشته
شود آن حریر را در اندرون چهار مغز کن و بیار تا موی آنکس و اگر
آنرا نیابی ستار ابریشم سپید و بروی یازده گره بزن و بر سر گرهی جدا
کانه این آیت را بخوان اعوذ بالله من الشیطان الرجیم وان یکاد الذین
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون
انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین و طلسم اینست
علکهعصلکلاع عسلحفهلا
عقد النوم دیگر اگر خواهی که کسی را عقد النوم کنی چنانکه در
عشق تو خوابش نیاید و بیقرار و بی آرام گردد و شب و روز یک ساعت
خواب نتواند کردن و اگر این عمل از نه روز بگذرد دیوانه شود بیار کاغذ

ShivaDoc.com

خطائی در ساعتی که عطارد را با مریخ نظر تثلیث بود در حرج ناظر بود بر سعد
چنانکه آن سعد بسعادت بن مریخ ناظر و مسعود بود در حرج در ششم درجه جمل بود
بنویس بمشک و زعفران و سرکه و این عملهای عقد النوم در شب می باید بنام آن
و نام مادر وی و جمله نوشته شود وقتی که خواهی خفتن در ازار بند خود برند و
بگوی بسم خواب جسم فلانه بنت فلانه را بدوستی فلان بن فلانه و تو بی ا بمست
عزمت علیکم ایها الجن والانس والشیاطین وسوسه وهیجوا
وعزمت الحق هذه الطلسم احیا

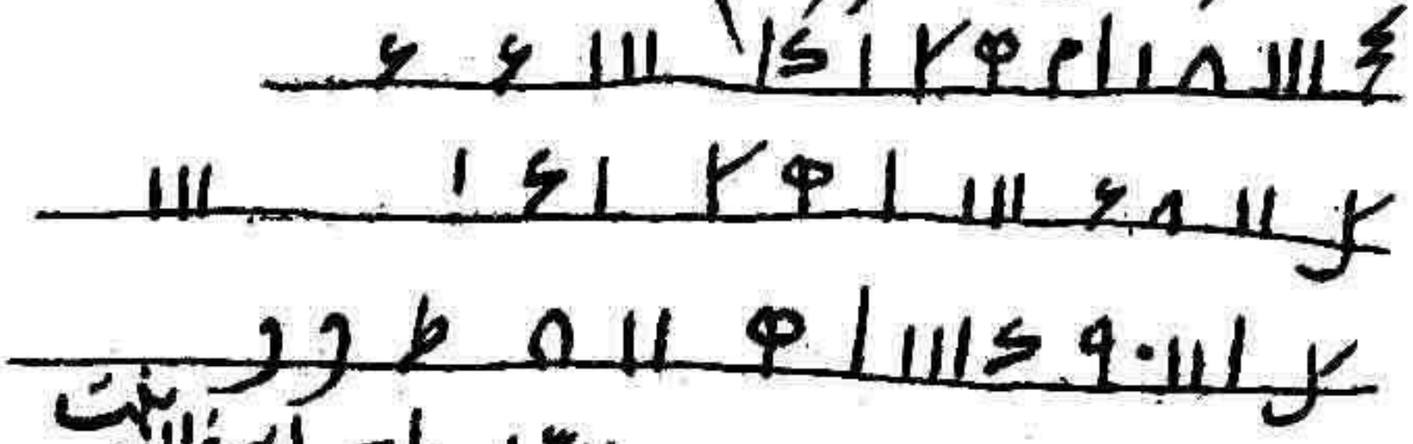

هاهاها العجل العجل العجل الساعه الساعه یا حی باسم فلانه بنت
فلانه هاره العجل العجل العجل

نوع دیگر اگر خواهی که خواب کسی را بندی چنانکه در عشق تو خواب نیاید
نه شب و نه روز و از عشق تو بیقرار گردد و یکلحظه بی تو آرام نیابد سیاه یکی
قفل و بر آن قفل چهل و یکبار قوشیا را بخوان و بدان قفل بدم

ShivaDoc.com

بنام انکس که تو خواهی و بپارکاغذ خطائی یا ورق الطیر و بروی بنویس بر مشک
و مداد و عنبر خام و در وقت نوشتن این بخورات را بسوز مقل ازرق
ناخن دیو و زفت و لبلاب و برگ مورد و پلپل سیاه و در وقت
نوشتن باید که نظر تسدیس بود قمر را با مشتری و البته قمر در طرف خود بود و چون
نوشته شود و بخورات کرده شود این نوشته را با بریشم سرخ که بروی چهل یک
گره زده باشی و بر هر گرهی یکبار قل یا ایها الکافرون خوانده باشی بان
ابریشم در پیچ و در اندرون قفل کن و قفل را بنام انکس بر بند خواهش
بسته شود البته و نوشتنی اینست عزمت علیکم المستغر
یش الفرس یا حوس حوم بوس لعنق سمیوس سطانوس
هسوس بحق ارعرسانوس هسطو فطسوس و طاحوح بحق عزازیل
واساعه النحل فصل فی ابواب البغضات
اگر خواهی که در میان دو کس جدائی افکنی بنویس این حرفها را بمداد بر پوست
خر یا خرگوش در روز یکشنبه اگر اول روز بود بهتر بود و چون می نویسی بخور کن
مقل ازرق ناخن دیو زفت کندر سیاه چون نوشتی آن نوشته را
در بلابه حمام دفن کن تا عجایب بینی و نوشتنی اینست

باشمن یا بتر بیع
بود زهره بسع

شاه

ShivaDoc.com

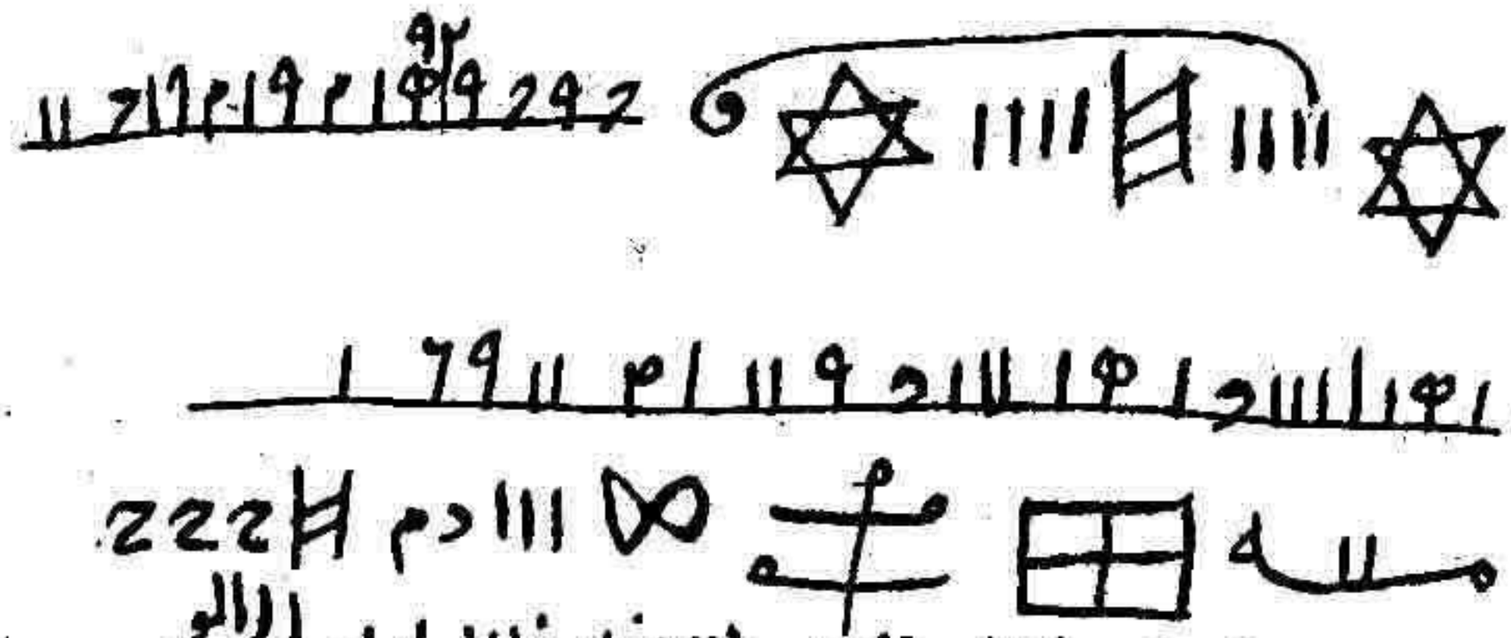

مسئله

مرعوب قلب فلانه بنت فلانه بن فلانه من فلانه بنت فلانه یا صاحب الجن الو
سواس ما الحماس و باید که در وقت نوشتن این عمل مریخ را با زحل
مقابله باشد و این عمل را در ساعت مقابله باید کردن و هیچ نظر سعد دران
ساعت باید که نباشد تا مراد حاصل شود عمل دیگر نوع دیگر از عملهای
عبد الله هلال بیار پاره تخته مرده شوئی و این چند حروف بآن تخته
بنویس بآب کافور و مداد در وقتی که مریخ یا قمر
یا با زحل مقابله باشد و دران ساعت مریخ در خانه خود بود یا در
اوج و قمر با بطر بود و بخور کن بروی ناخن دیو و زفت و سندروس
و تخم خرنوب سامی و آنرا نوشته را در گور کافران دفن کن تا عجایب بینی
و حروفی که نوشته میشود اینست

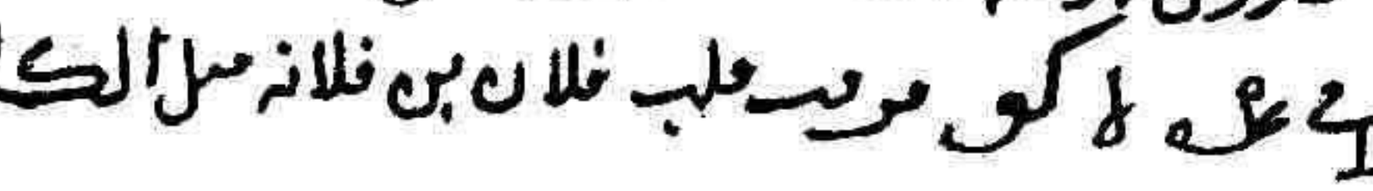

مرعوب قلب فلان بن فلانه من الکلب و سعود

ShivaDoc.com

طمسوح الساعه الوجا العجل الوجا

طریقه دیگر در بعض

اگر خواهی که در میان دو کس جدائی افکنی چنانکه تا آخر عمر یکدیگر را نبینند
پیاره پاره کفن مرده و این حروف را بران کفن بنویس در وقتی که مریخ را با زحل
مقابله بود یا قران بود و مریخ در خانه خود بود و بروی عبور کند از
زفت ریم گوش خر تخم سرو پوست نار هلیله سیاه
و این را با آب کافور و مداد باید نوشتن و این نوشته با آب قند و کافور
و مداد یا [illegible] کشنیز در سبو کند و سر سبو را استوار کند و اگر قاروره
بود بهتر باشد و آن قاروره را در بلاشانه حمام دفن باید کردن چنانکه
آب بر زیر او باشد مقصود بر آید البته و نوشتنی اینست بنویس تا عجایب بینی

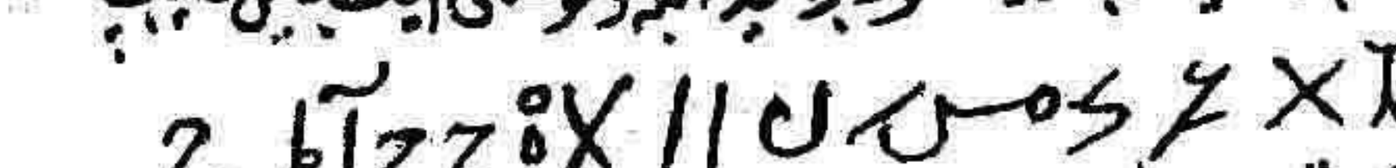

فرقت یان فلانه بنت فلانه و بین فلان بن فلانه
[illegible] لا فلس نبت ما فلس اه اه

نوع دیگر اگر خواهی که شخصی را از مقام خود و از مرکار

ShivaDoc.com

های خود و از شغل و عمل خود و از بخت و دولت خود آواره کنی و لی نهار بر مسلمان
نشاید کردن که البته کافر شود نعوذ بالله منها بهار پوست خرگوش اگر از برای زن
کنی خرگوش ماده و اگر برای مرد کنی خرگوش نر در ساعتی که زحل مقابل کند با عطارد
یا بمریخ و زحل مستقیم بود و هیچ نظر سعد نبود کواکب را چون چنین بود
بنویس این طلسم را بمداد و کافور و آب پیاز بدان پوست خرگوش و در ساعت
نوشتن بخور کن بروی هلیله سیاه و پوست خیار چنبر و زفت
و ناخن دیو بعد از آن که نوشته شود بنام آنکس و مادر آنکس در هیچ و در روی
به هیچ بار بشم سیاه و بران ابریشم زکره بزن و آنرا در چاه میرانی انداز چون
چنین کنی آن دو تن با هم هرگز جمع نتوانند شدن و مقاصد این عامل بر
آید البته و این عظیم حربست و نوشتنی اینست

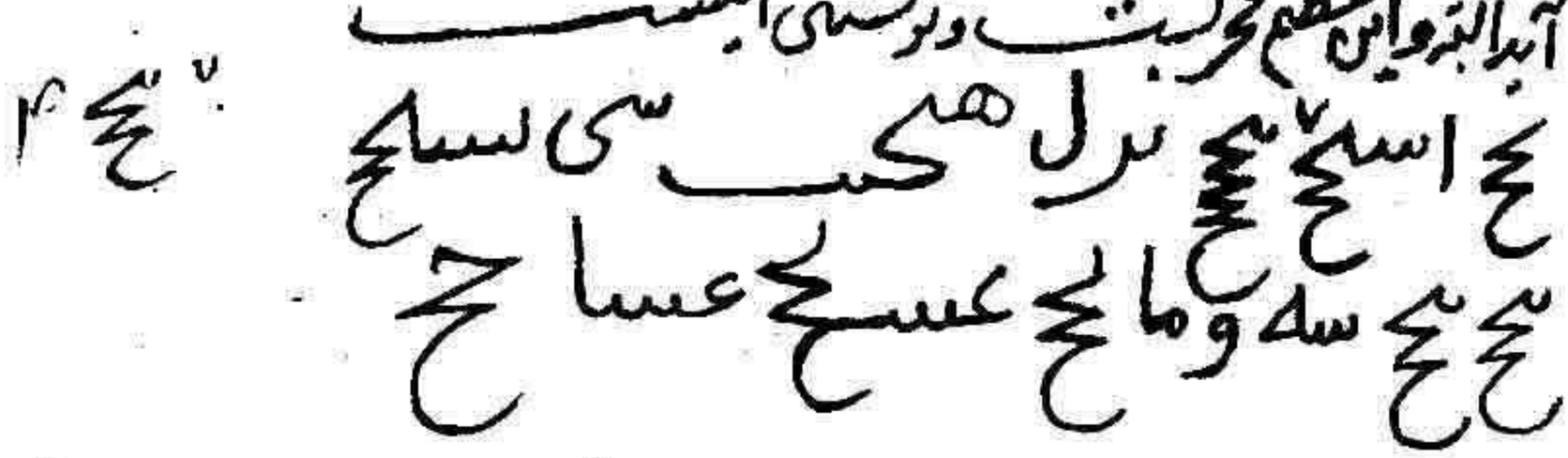

باسم فلان بن فلانه بحق این کلام نوع دیگر
اگر خواهی که در میان دو کس جدائی افکنی چنانکه با یکدیگر هرگز الفت نگیرند

ShivaDoc.com

وازین شهر بشهری دیگر روند والفت درمیان ایشان محکم الوجود نبود و مجتمع بود
بهار هفت برگ بید سیاه خشک یا تر در ساعتی که تربیع کند مریخ با قمر و یا مقابله کند
عطارد با زحل ولی اگر نظر تربیع است باید که مریخ در درجه اشرف بود و یا در
خانهٔ خود بود و اگر نظر مقابله است باید که زحل در هفتم درجهٔ قوی بود
و این عمل عظیم است و عملیست کلی و ازین زبان محکم است و بنویس نام آن
برگ بید این طلسم را بر هر یکی و بخور کن بروی عود رخام و عنبر و سنگ سیاه
و ناخن دیو و زفت و گل کدو و گل کوکنار آن و چون این طلسم نوشته
شود این برگها را برهم نه و در اندرون کوزه کن که از گل سیاه بود یا از گل
سرخ بود و نام آن شخص را یا آن دو شخص را بر پشت آن برگ نویس و در آن
کوزه کن و سر کوزه را بگیر و در زیر ناودان که دایم آب رود دفن کن الله اعظم
قولیست این عمل و نشاید بر مسلمان کردن که البته کافر گردد و طلسم اینست

هیا هیلا هیت سیح محمد سسصص عفقو کلمن یهوا

ح ااا ط ک ک ک ط ع ااا ط ک ط م

باسم فلانه بنت فلانه علی فرقت فلانه بنت فلانه بنوع دیگر در میان
عقد آن حل اگر خواهی که رجولیت کسی را بر کسی عقد کنی چنانکه اگر بخواهی

ShivaDoc.com

هرگز گشاده نشود و هیچ کس دیگر بغیر از تو نتواند گشادن بکش گوسفند ماده را
بر آور روده او را و هفتاد و یکبار بشوی اندرون و بیرونش را و بردی نهست کره بزن
و بر هر گرهی بخوان هفت بار قرعیا نوشته شده را بر او وقتی که قمر حالی آبی بود
و عطارد را با مشتری تناظر بود یا بتثلیث بود و مشتری در برج آتشی بود و در
آنچه برج آتشی بود بنویس این طلسم را بر حریر زرد بمشک و مداد و زیبق
و بخور کن بروی میعه و لبلاب جلغوزه برگ سرو علک رانی را
بوست نارنج آنگاه آن روده و حریر را در قاروره بکن و بر آن قاروره
بگل بوته استوار کن و در تنگ آتش دان دفن کن چنانکه گاه گاهی تفش آتش
برو رسد اگر ازین بگذرد هلاک گردد و کننده این اگر بر مسلمان کند کافر گردد
اینست که صبح تلی حصادام مسکلعوطا کلمه
ادونی اصاوسد بحلموا عقدت حولیة هذا المسمّی
بحق هذه الاسماء العظام الاملس کنکورش هنکمور العجل العجل
عقدت نفسا هذا المسمّی بحق طرهو طیاث نوع دیگر اگر
خواهی که عقد الرجل کنی بگیر شش تار ریسمان کبود و شش تار ریسمان سرخ و شش تار
ریسمان سیاه و بر هر یکی یکبار بخوان معوذتین را و بهم بتاب بعد از آنکه تافته شود چهل

ShivaDoc.com

یکبار کره بزن و بر هر یک کره ای سی و یکبار قل یا ایها الکافرون بخوان در ساعت که قمر را
با عطارد تثلیث بود در پنج ساعت و سه دقیقه شب و چون خوانده شود عود بخور کن
بروی کافور و رباحی و کندر سفید و قروت سیاه و بعد از آن که بخور تمام شود
بیار یکی حریر سیاه یا ورق الطیر و بروی لوبیا بن طلسم را و در همین ساعت و آن
ریسمانها در پیچ و در کوزهٔ خفاع یا در شیشه کن و سر آن را بگیر مگل حکمت و بعد از
آن در جائی دفن کن که تفش آتش بوی رایم رسد اگر گرم شود بفرمان خدای عز و جل
بسته شود و اگر بجوشد دیوانه شود و اگر بسوزد هلاک شود و طلسم اینست

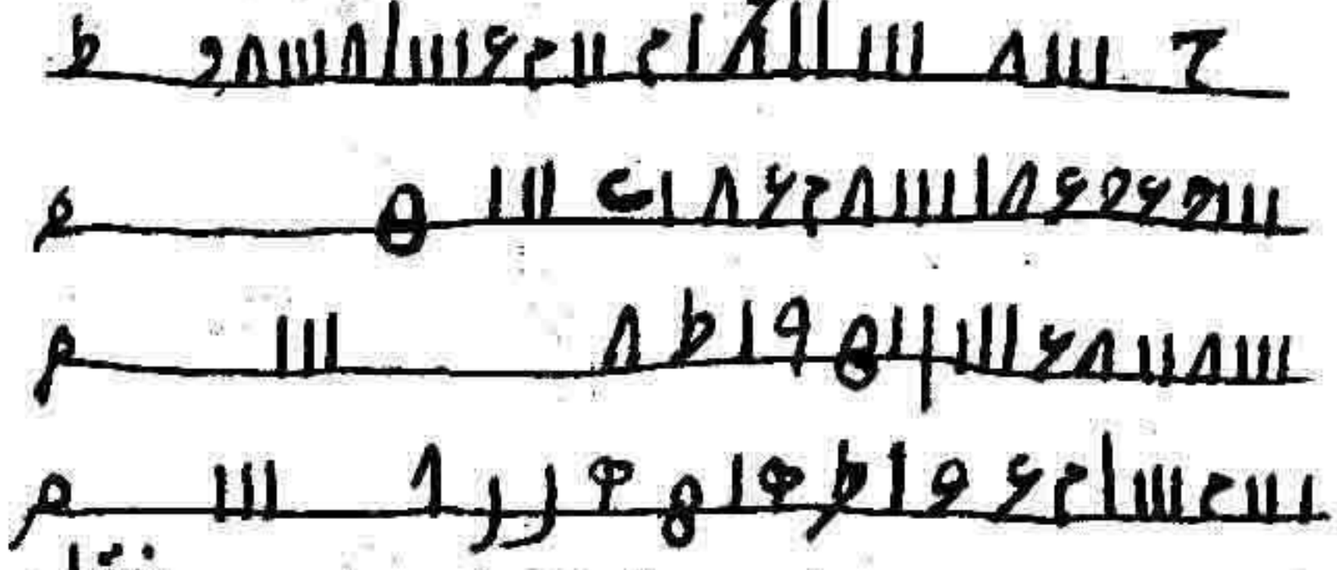

بنام فلانه بنت فلانه بدوستی فلان بن فلانه فصل در نقل
بدن کردن از شهری بشهری و این از عجایبات اگر خواهی که نقل بدن کنی از شهری
بشهری و در حال باز بسلامتی این خاتم را هفت بار بخوان بعد از عملها دو دایره یکی
مربع طولانی بران مثال که نوشته شود یکی بنام این شهر که در وست و دیگری بنام

ShivaDoc.com

آن شهد یا اقلیمی که با نجامی خواهد که رود و انگاه دران دایره که بنام شهد بستد که وی
درین حال دران شهد است بنشیند و بخت یا رایحه خام را بر خوان و در وقت خواندن بخور کن
عود و زعفران و مشکی و سندروس و عطر خام و کنک دریا و گل نار
و شکر انگشت و درین بخور باید که اگر آن شهد که میخواهد که بر انجا رود نزدیک بود
باید که تثلیث قمر را با عطارد نگاه دارد و با مقارنه زهره را با عطارد نگاه دارد
و در هر دو نظر باید که عطارد مستقیم بود و در درجه شرف بود و اگر در درجه شرف
نه بود در درجه اوج بود و اگر در درجه اوج نبود باید که هیچ ستاره دیگر را
بعد ازین که گفتیم با همه بکر نحس نباشد و سعد نیز نباشد و می باید که این نظرها را
احتیاط عظیم کرده باشی و بیش واقع شدن ساعت این نظر هفت روز روزه
داری چنانکه این روز هفتمین واقع شود و چون چنین شود دران دایره
نشسته باشی و آن غریبه را بخوانی چون سه هزار و بیست و یکبار غریبه را بخوانی
و بخورات در سوختن بود در میانه مندل بر خیز و یک پا را از میان دایره این شهر دی که
درونی بنه استوار و یک پا را بر سیلوی دیگر را از میان دایره این شهر بیرون آر
چشمها را برهم نه و بیک دفع این اسم را بخوان یا موشطیشا و پای در
دایره آن شهر دیگر بنه و یک پای دیگر را بر دار و بیک دفعه در دایره آن شهر بنه و دم

ShivaDoc.com

بازکن خود را در آن شهر یا در آن اقلیم به بینی و چنین عمل را کرده باشی و هر بار که این دایره را
بکشی و این عزیمت را هفت بار بخوانی و پای ازین دایره در آن دایره بنهی
در هر شهری که خاطر تو خواهد خود را در آن شهر به بینی و این از عجایبات این علم است

و دایره اینست

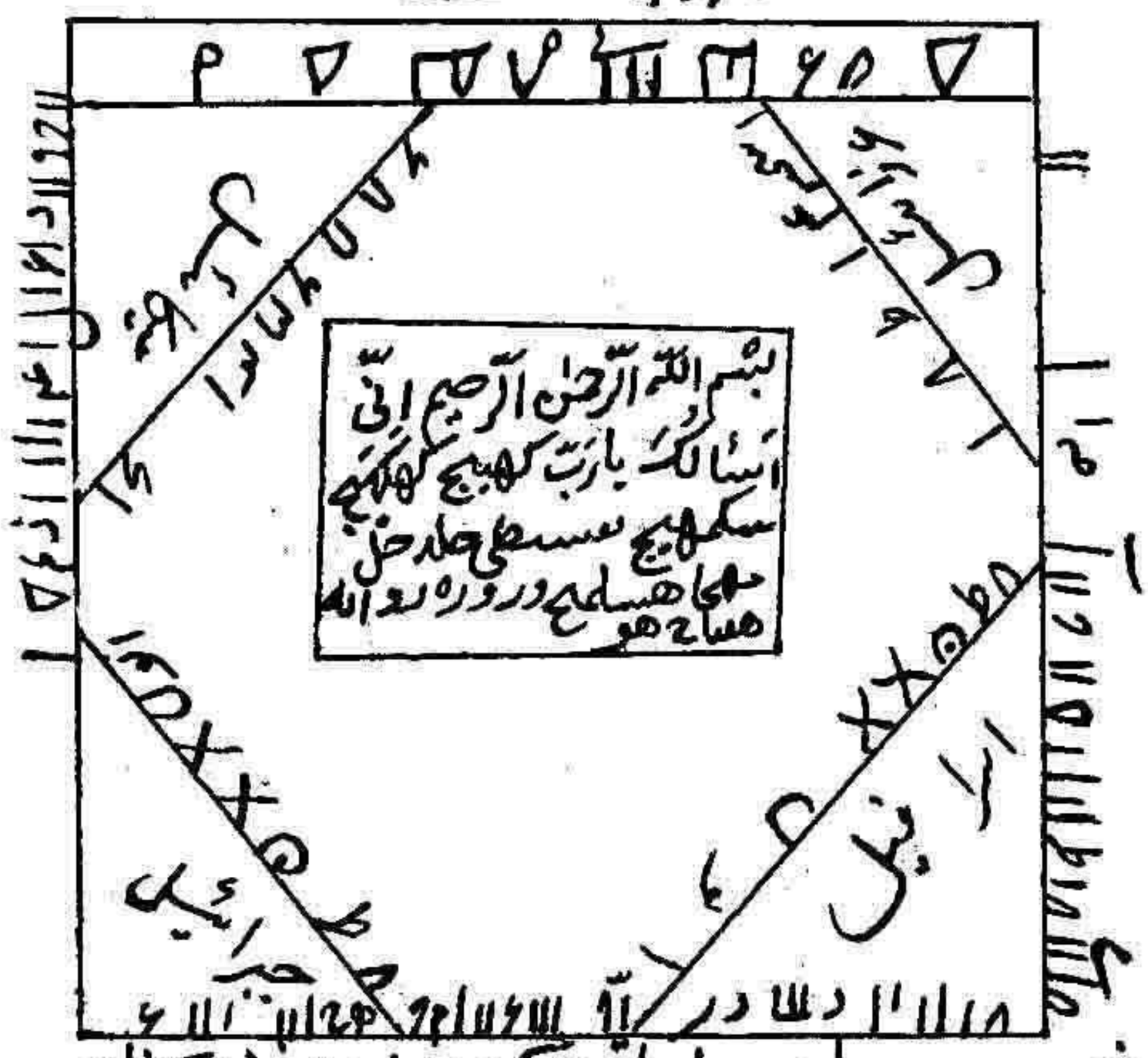

فصل در بیان تسخیر کردن اهل صفا اگر خواهی
که خلعتی یا کلاهی که بهر جا که روی کسی ترا نه بیند هر مرادی که داری

ازق

ShivaDoc.com

از مقاصد و مطالبی که تعلق با مور دنیاوی دارد این جمله ترا حصل گردد و جمله منافع
که تعلق بلذات دنیاوی دارد ترا میسر شود در وقتی که آفتاب بحمل تحویل کند
وقت آمدن فراشترک میشود و در بعضی بلاد در سایر اوقات پیش از تحویل حمل
نیز می آید و این بر دو نوع می بود یکی نوع سیاه است که وی نمی تواند که بر دیوار
نشیند و باز برد که پای وی کوتاه است و نوع دیگر که شکم او و بعضی مواضع
او سفید است این که بعضی مواضع او سفید است همین کسی که او را دید کسی اگر
بر کوه باشد و اگر بر دیوار بیند و اگر در موضعی بود که امکان حصول انگشت نبود
یعنی باین چند سالها گذشته باشد که کسی در روی آتش نکرده بود فی الحال که او را
دید پای راستش بر هر جا که بود بر اندازه پای خودش خطی بکشد بکارد یا بغیری
و زمین را بکاود تا بیک بدست و زیاده ازین نیز و نی کمتر ازین نیز در میانه آن خاک
بدرستی بیرون آید پاره انگشت برآید برابر بسته یا نخودی یا خردتر از نخود و البته
این بیرون آید چرا که قطعی است آن انگشت را بگیرد و بسرمه بیامیزد و چهل روز بامداد
در چشم کشد و در این مدت حیوانی نخورد و روزه دارد و شب افطار بچیزها بنانی کند
و هر روز چهل و یکبار سوره قل اوحی بخواند و هر شب دو رکعت نماز کند در رکعت اول
فاتحه یکبار بخواند و سوره اذا وقعت را سه بار بخواند چون روز چهل و یکم شود جامه سبز

ShivaDoc.com

در بوشد و کوزه کبود در پوشد و سر او بیل سرخ در بوشد و عمامه سیاه در سر بندد و غسل پاک
بیارد و آن روز هشتاد و یکبار سورهٔ قل اوحی بخواند چون نماز دیگر گذشته
تر شود غسل پاک کرده و روزه داشته بدیهی بیرون رود که از بیرون آن ده با
ده گاوی آینده باشد برود پیشاپیش آن باده گاو البته پیش آهنگ آن گاو
آن گاوی خواهد بود پس بر گردن آن گاو نظر کند و این اسم را بخواند
یا شلیطع طوره سبحبیا بعد از خواندن چون نگاه کند بر گردن
آن گوزکی بیند سیاه همچو قطران و جامهای وی سرخ باشد بر مثال خون و
ناخنان وی زرد باشد بر مثال کهربا و بر سر آن گاو کلاهی از مد سرخ و آن
کلاه وی درخشان بود تو برو بنزدیک او می بنداری که تو او را می بینی چنانکه مردم
دیگر نمی بینند و در لبر وار دست را بیاز و این اسم را بخوان یا حَیّ
حِینَ لا حَیَّ فِی دَیْمُومَةِ مُلْکِهِ وَبَقَائِهِ و کلاه او را بگیر از سر او
و روان شود چنانکه وی در تحیر ماند و این رئیس اهل خفاست و نام او
طیطوث است بعد از ساعتی از کردن گاو فرود آید و بنزدیک تو بیاید
او را تحقیق شود که صاحب تسخیر وی سر خود در قدمهای تو بنهد و بگوید که ترا
زین عمل و ازین فعل و ازین کار چه می باید و غرض تو چیست اگر مال می باید بیارم
و اگر جواهر می باید بیارم

ShivaDoc.com

واگر نفسی می باید مهم حاضر کردانم و گرنی کلاه من بمن بده تا بروم این کسی تبسم کند
و در خاطر خود این اسم گذشته را میخواند در حال برود و همان مقدار
جواهر بیارد که چشم آدمی حیران ماند و از وی شرمنده شود و کلاه خود را
خواهد و در ثمن کلاه خود این وجوه را بتو دهد زنهار قبول نکنی و آن کلاه
را باو ندهی و بگوئی که ما را بمال و مملکت نیازی نیست و مال و مملکت طفیل ماست
اکنون بعظمت و بزرگی یکی خدای که ما را از تو نیازی نیست و آنچه مقصود بود به
بزرگی یک خدای من یافتم اکنون مرا با تو کاریست که بعد از چهار ماه و هژده روز
آن کار بیان کرده میشود تو برو و دیگر تصدیع مامده که ما بعون الله تعالی بمقصود
رسیدیم و چون این بگوئی از وی از نظر غایب گردد و این کلاه با تو بماند تا زنده باشی
زنهار که بزن و معشوقه ننمائی و زن و جنب و برادر خود و پدر خود و فرزند خود
و همباز خود و آنچه بدین ماند نیز ننمائی و این سر را فاش نکنی تا مقصود بیابی
و دایم بر مراکب مرادات و مقاصد و مطالب جان خود را کب باشی و بهمه امیدها
برسی ان شاء الله تعالی عملی دیگر اگر خواهی که از امور دنیائی که
تعلق بخرج و دخل دارد بی نیاز گردی و جمله مقاصد و مطالب دنیائی که تعلق
بحاصل کردن دخل و خرج دارد وارسته باشی و اگر هر روز آن دراهم را که بمن

ShivaDoc.com

آن درهم را کنش معمول معین است صد بار خرج کنی بهر که خواهی رسیده باشد و مطلوب
انکس حاصل شده باشد و باز نزدیک تو بیاید بیارد دو ضفدع اخضر بحری در حالتی
که با هم دیگر در مجامعت باشند و دهان های ایشان را بسوزنی که از نقره
خام کرده باشند در ساعتی که تثلیث بود زهره را با قمر ولی قمر خالی از نظر
های منحوس باشد و زهره در سیت ششم درجه میزان بود و دو شکم بیداکن از
زر و یا از نقره و هر دو را نشان کن بنشانی که تو دانی و در دهان هر دو ضفدع
بنه و دهان های ایشان را با بریشم سفید بدوز و بر ایشان شبانه روز
روزه دار و ترک حیوانات بکن و غذا هائی که تعلق بحیوانی دارد مخور
و مسوز و مپوش و مبین و این دو ضفدع را بیریکی را در پای درخت نارون
در خاک کن و یکی را در پای درخت نارون دیگر که مقابل این درخت بود در
خاک کن و هر روز می آی در میانه این دو درخت می نشین و این بخور را
می سوز عود قماری مقل ازرق علک شاخ ناخن دیو
کندر سپید مشک زرد کثیرا اوزان این جمله برابر یکدیگر
و با هم عجین کن و در هر بار نشستنی نوزده کوی ازین می سوز چون چهل
یکروز تمام شود بکاو و هر دو ضفدع را و دهان های ایشان را بکار بولاد
بمار

بازکی

ShivaDoc.com

باز کن از دهان یکی تنگه بدهان دیگری گذشته باشد آن تنگه که گذشته است
آنرا نشان دیگری علی حده بکن آن تنگه که قرار گرفته بود در دهان آن
صندوق آنرا نگاه می دارد در اول نام باشد از و خیر و نیکی متوقع
باشد و آن شخص خود را بمرتبهای عالی رساند چنانکه الغ بیگ
الف و لام از حروف اعلاست خاصه از اوایل و الاسماء تنزل
من السماء خداوند تعالی آن سلطنت پناهی را بهفت اقلیم مستولی
گرداند و پادشاه روی زمین بمصداق
این حدیث روزی گردد آمین رب العالمین
تمت یوم الاثنین اربع عشر ذی القعده سنه ۸۶۹
کتبه عباد محمد الحسنی اسرابادی مجتبی ۸۶۹
هر که خواند دعا طمع دارم
زانکه من بنده گنه کارم
وهاب م ابراهیم م حسین
م م م م

ShivaDoc.com

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة
علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین اما بعد نقلست از شیخ شهاب الدین
مقتول که او فرمود که چهل اسم است از اسما باری تعالی که هیچکس از بنی
آدم نباشد که بدان محتاج نباشد وجمله ارواح واجسام از ملایکه وجن
وانس ونجوم وسیارات واهل زمین ووحوش وطیور وهرچه خدای
آفریده است همه فرمان بردار این اسمااند ومسخر او وشیخ شهاب الدین
مذکور هرگز این اسما از خود جدا نکردی وپیوسته درخواندن مواظبت
نمودی وچندین عجایب وغرایب از قوت این اسما بخلق نمودی
وازان جمله فرموده است که هرکس درخواندن این اسما مداومت
نماید دل او چنان روشن شود که اسرار غیب برو منکشف شود
چنانکه از ضمایر جمله مخلوقات خبر دهد وشرح این اسما بسیار
است اما مختصر گفته شد وبر هر اسمی علیحده شرحی گفته آید
خاصیت اسم اول آنست که هرکه خواهد که جزدیل پادشاه
رود بایدکه هفده بار برابر روی او بخواند وبرخود دمد بعد ازان
خود را بوی نماید چون نظر پادشاه بروی افتد محبت وی در دل
پادشاه افتد اگرچه ازو رنجیده باشد واز برای هرکس از بزرگان
بهمین طریق بخواند واگر امید بکسی دارد بجهت احتیاج بایدکه

ShivaDoc.com

روز یکشنبه که نوبت آفتاب است یا روز پنجشنبه بنیت آن مراد است
و چهار بار بخواند بخوبی میسر گردد و اگر مطلوب با طالب نسازد
و سرکشی کند باید که طالب غسل کند و جامه پاک در بر شود و چهل
و یکبار بر چیز خوردنی خواند و بخورد مطلوب دهد مطیع و منقاد
گردد و باید که باعتقاد درست و صدق صافی بخواند تا موثر
افتد اسم اول اینست سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء و واد شکر
خاصیت اسم دوم آنست که اگر تنگدست باشد و فقیر و در نظر
مردم بی اعتبار باشد بیست روز هر روز بعد از نماز صبح پانزده
بار بخواند در نظر مردم بزرگ شود و در رزق بر وی گشاده شود
و احترام او در دلها پدید آید و عزیز گردد و اسم دوم اینست
یا اله الالهة الرفیع جلاله خاصیت اسم سیم روز آدینه وقت
نماز وضوی مرتب بسازد و بمسجد جامع رود و بعد از نماز بهر
مرادی که دارد دویست بار بخواند از سر اعتقاد آن مراد برآید
و شکی در خاطر نیارد که بیم مضرتست اسم سیم اینست یا الله
المحمود فی کل فعاله خاصیت اسم چهارم اگر کسی بدخلق باشد و تند
خو و مردم از خوی بد او بزحمت باشند و خواهند که او حلیم و سلیم
گردد باید که از پنهانی وی این اسم را بر حریر سفید بمشک و زعفران

ShivaDoc.com

بنویسند و بنام مادر وی و در مقامی که او می باشد دفن کنند در جای پاک
در زمان دوی صلاح پیدا شود و آن قاهری و عجب از وی برود و اگر
از برای محبت بنام مطلوب سه روز روزه دارد و هر روز پانصد
بار این اسم را بخواند و بعد از سه روز بجایی رود که در او مقابل
قبله باشد غسل کند و چون بیرون آید این اسم را بر کف دست
راست بنویسد و در برابر آنکس رود و برابروی بدارد محبت او
در دل آنکس افتد و اگر بتواند که دست بر سینه او نهد از عشق
دیوانه شود و اگر بشوید و روی را بدان بمالد و بگذارد تا خشک
شود بیم باشد که از عشق رنجور گردد و بصدق درست
بنویسد و اسم چهارم اینست یا رحمن کل شئ و راحمه
خاصیت اسم پنجم آنست که اگر کسی رنجور بود و امید بهبودی
نبود این اسم را بمشک و زعفران بر کاسه چینی بنویسد و بآب نیسان
و گلاب بشوید یا بآب نبات مصری و سه روز بدو دهد
تا بخورد بزودی شفا یابد باذن الله تعالی و اگر در حالت صحت
بخورد هرگز رنجور نگردد و اگر بصدق دل بخورد حق تعالی
ببرکت این اسم او را نعمت بسیار بخشد و برکت در عمر وی
پدید آید و اسم پنجم اینست یا حی حین لا حی فی دیمومیة

ShivaDoc.com

ملکه وبقایه خاصیت اسم ششم آنست که اگر شخصی کودل
باشد چنانکه هیچ چیز یاد نتواند گرفت وانچه یاد گرفته باشد
فراموش کند باید که هفت روز هر روز بیست وهفت بار این
اسم را بخواند اگر بعد از نماز صبح بخواند بهتر باشد دلش را بیدار
وروشن کند چنانکه هرچه بشنود یاد گیرد وچند معنی دیگر
از مغیبات برو منکشف شود واگر چیزی گم کرده باشد شب
دوشنبه جمل بار به نیت ان گم شده بخواند چون در خواب
شود ان چیز بوی نمایند که کجا است وکه برده واگر هر شب
بخواند وبر خود وبر اموال خود بدمد از دزد وحرامی ایمن
گردد بفرمان خدای عز واسم ششم اینست یا قیوم فلا
یفوت شئ من علمه ولا یؤده خاصیت اسم هفتم آنست که
اگر کسی را فکرهای فاسد بروی غلبه کند ودماغ او بخلل
آمده باشد واز ان فکرها برنجت بود چون این اسم بسیار
خواند از ان سودا وفکرهای بیهوده نجات یابد واگر از دشمن
میترسد بهر نمازی که گذارد باید که پنجاه بار بر سبیل اوراد
بخواند دشمن بروی رحیم گردد واز شر دشمن ایمن گردد واز
هیچکس الم وگزندی نه بیند بفرمان خدای عز وجل واسم هفتم

ShivaDoc.com

اینست یا واحد الباقی اول کل شیٔ وآخره خاصیت اسم هشتم
آنست که اگر کسی خواهد که در کار خود ثابت قدم گردد و یا دیگری
را ثابت گرداند سه روز روزه دارد و هر روز چهل بار این اسم
را بخواند به نیت ثبات قدم عمل خدای تعالی او را روا کند و اگر خواهند
که پادشاهی یا بزرگی در سلطنت یا حکومت ثابت قدم باشد
این اسم را در شب بیست و هفتم ماه رمضان بر انگشتری زرین
نقش کند و در انگشت کند در حکومت ثابت قدم گردد اما
باید که نقاش بطهارت باشد و ساعت نیک اختیار کند و در خواندن
با وضوی تمام باشد تا نیک آید و هیچ دشمن بروی ظفر نیابد و
مرادات او بر آید و اسم هشتم اینست یا دایم بلا فناء و لا زوال الملک
خاصیت اسم نهم آنست که اگر کسی حرام روزی بود و زنا
و لواطه دوست دارد این اسم را به نیت وی سه روز
دعوت کند و دعوت وی چنان بود که روز که وقت مشتری
بود صایم باشد و هر روز هزار بار این اسم را بخواند و حیوانی
کمتر خورد و بی شبهه خورد حرام بر دل وی سرد گردد و اگر میان
زن و شوهر سازگاری نباشد این اسم را بر کاسه چینی نویسد
بمشک و زعفران و باب نیسان فرو شوید و شیرینی در وی کند

هشتم بغیر ر

ShivaDoc.com

وبخورد ایشان دهند میان ایشان الفت پیدا شود واگر بر
ورق آهو بمشک و زعفران نویسد و در موم که در عروسی سوخته
باشد بگیرند و در کوزه آب اندازند تا ایشان هر دو از آن بیاشامند
موافقت والفت پیدا شود واسم نهم اینست یا صمد من غیر
شبه فلا شیء کمثله خاصیت اسم دهم آنست که اگر کسی خواهد
که زبان مردم بر خود بندد لوحی بسازد از سرب بنام هر که
خواهد واین اسم را بروی نقش کند و در شکم ماهی بندد و در زمین
پاک دفن کند و نام خصمان بران نویسد زبان ایشان بسته شود
ودشمن بعد مدتی با او دوست شود واگر چهل روز هر روز
چهل نوبت بخواند بهر مراد که خواهد حاصل گردد و در جای
پاک دفن کند زبان خصمان بروی بسته گردد واسم دهم اینست
یا بارّ فلا شیء کفؤه بدانیه ولا امکان لوصفه خاصیت
اسم یازدهم اگر کسی از نظر پادشاهی بیفتد و یا از عمل معزول
شود یا دشمن بروی ظفر یافته باشد باید که این اسم را دعوت
کند و دعوت این اسم چنان است که هفت روز روزه دارد
و درین مدت آن مقدار که تواند بخواند در جای خالی و بخور بسوزاند
چون دعوت تمام شود یا از پادشاه باذن الله تعالی بنظر مرحمت در وی

لیک الیک
وسهلک

ShivaDoc.com

نکرد و دشمنان مقهور شوند و دولت روی آرد بشرط انکه مطیع
این اسم باشد و مداومت نماید و هام نیز کذارده شود و بزرکی
بیند و اسم یازدهم اینست یا کبیر انت الذی لا تهتدی العقول
لوصف عظمته خاصیت اسم دوازدهم انست که اکر کسی رنجور
باشد و یا مسحور بود و نظر رسیده باید که این اسم را بر هفت
جوش نقش کند و با خود دارد از سحر و چشم بد ایمن شود و اسم
دوازدهم اینست یا بارئ النفوس بلا مثال خلا من غیره خاصیت
اسم سیزدهم آنست که چون دعوت این اسم کند روز چهارشنبه
در صبح غسل کند و جامه پاک در پوشد و در مقام خالی رود و بخور
بسوزاند از عود و کل سرخ و زعفران و سنبل و این اسم را یکهزار
و پنجاه بار و یکنوبت بخواند و در خواندن توجه بحق تعالی
کند و اندیشه فاسد در دل نکذراند اما چون از علامات
چیزی ظاهر شود باید که نترسد و علامتان بود که هفت تن
از ارواح پیدا شوند همه جامه سبز پوشیده و کلاه چون ترکان
بر سر نهاده چون بیایند برابر بایستند و سخن نکویند باید
او نیز سخن نکوید و همچنان بخواندن آید مشغول باشد چندانکه
ایشان در سخن آیند و کویند ای آفریده خدا ترا چه کار و مهم است

ShivaDoc.com

وصه میخواهی و ما را بر رنجه میداری او جواب ایشان گوید که ای
افریدگان خدای مه حق تعالی از شما راضی باد مقصود من آنست که
بقوة این اسم مرا هر کار که واقع شود از خیر و شر و نفع و ضرر میان
دوست و دشمن مدد و معاونت من کنید و حاجت من روا کنید
ایشان باوی انس گیرند و دعوت او را اجابت کنند دیگر
باره ایشان را تواضع نماید برخیزد و دست بر سینه نهد و گوید
چنانکه که شما مرا گرامی داشتید حق تعالی شما را گرامی دارد اکنون
میان من و شما نشانی باید که در وقت حاجت شما را طلب
کنم که حاجت من روا کنید ایشان که حاجت بنشان نیست او
گوید که غرض من نشانیست که احتیاج بدعوت نباشد ایشان
چون نام دعوت بشنوند مهری بوی دهند مانند بیضه
مرغ و خط سبز بران نوشته آنرا ستانند و بوسند و بر دیده
نهند و بر سر گیرند و گوید که این خط مرا بیاموزید تا توانم خواندن
ایشان خاصیت آن باو بگویند و نیز باید که آن مهر را
از چشم جنب و فاسق و بدکردار پنهان دارد و در چیزی
که مهر بوی دهند باید که ایشان را تواضع کند و گوید که زحمت
کشیدید بسلامت بروید تا وقت حاجت و هر وقت که

گوینده

احتیاج

ShivaDoc.com

احتیاج بود هفت بار این اسم بخواند و باید که بخور کند
و جامه پاک پوشد تا ایشان بیایند و حاجت او روا کنند
و باید که صاحب دعوت همیشه پاکیزه باشد و صافی
و اسم اعظم اینست یا زاکی الطاهر من کل آفة بقدسه
خاصیت اسم چهاردهم آنست که اگر کسی امید بکسی دارد
و آن امید بر نمی آید این اسم را بر ورق اهو بمشک و زعفران
بنویسد و بر آستانه بالای در آنکس پنهان کند امید
او بمطلب از و برآید و بمراد رسد و خدای تعالی در رزق
بروی بکشاید و از خزانه خود عطای بسیار بوی کرامت
فرماید و چنان شود که مردم گویند که خاک در دست وی
زر می شود و هر چه خواهد آن چیز بمراد او شود و اگر علم
خواهد باید که در ساعت نیک که قمر در برج دلو باشد یا ساعت
سعدی اختیار کند و این اسم را بر کاغذ خطائی بمشک و زعفران
بر مغل حروف بنویسد و در موم گیرد و در کوزه آب اندازد
و از آن آب میخورد و خداوندا این دعوت روی بهکاری
که آرد برآید و اسم چهاردهم اینست یا کافی الموسع لما
خلق من عطایا فضله خاصیت اسم پانزدهم آنست که

ShivaDoc.com

اگر کسی در دست ظالمی گرفتار باشد یا در حبسی این اسم را
به نیت خلاص از آن بلا بیست روز هر روز هزار بار بخواند
و تسبیح کند که این اسم را تسبیح اعظم میخوانند بفرمان خدای
تعالی از آن ظالم و از آن بند خلاص شود و باشد که ظالم هلاک شود
و باید که از سر بازیچه نگیرد و پاک باشد و نماز پنجگانه بجای
آرد و باعتقاد بخواند و اسم با نزدهم اینست یا نفی من کا
جو رلم یرضه ولم یخالطه فعاله خاصیت اسم
شانزدهم آنست که اگر کسی را کار فرو بسته شود و هیچ کار از وی
نیاید و فرو مانده و سرگردان و در نظر مردم حقیر و بی اعتبار
باشد باید که چهل روز بدعوت این اسم مشغول شود و دعوت
این اسم چنان است که درین مدت ترک حیوانات کند
و بغیر از نان چیزی دیگر نخورد و غذا نبات خورد و یک از بعین
بخواندن اسم قیام نماید و از مردم دور شود و خلوت اختیار
کند و این اسم را میخواند و حاضر وقت باشد که هم در هفته
اول علامت ظاهر گردد از عالم غیب و این علامت بر هفت نوع
پیدا شود علامت اول آن بود که چون چند روز بگذرد و این
اسم را بقرب شش هزار بار خوانده باشد جمله عالم بر چشم او

یا نفی یا اعطاء

ShivaDoc.com

سبز نماید و خود را و جامه خود را سبز بیند تا روز هفتم چنین
بیند و علامت دوم آنست که روز هشتم دو تن از ارواح
بوی رسند و گویند که ای فرزند آدم چه غرض داری و مقصود
توجیست ازین دعوت برخیز و بکار خود مشغول شو تا نباشد
که نقصانی یا خللی بتو رسد و او را بچند نوع نصیحت کنند
چندانکه ایشان ازین نمط گویند او التفات نکند و این
اسم را بلندتر بخواند ان دو تن غایب شوند باید که دل
قوی دارد و نترسد و در ان مندل نشسته باشد بخور
بسوزاند و بخواندن مشغول شود علامت سیم آنست که
روز سیزدهم ناگاه مرغ سبز بیاید مانند همای و بر سر او
او نشیند و بانگ کند از آواز او ان نوع مرغان آمد اما کوچکتر
از مرغ اول غلغل و اشوب در خلوت اندازد و ان مرغ
که بر سر او نشسته بر بروی زند و بانگ عظیم کند باید که نترسد
و بخواندن اسم مشغول باشد و بلندتر بخواند پس آن
مرغان نیز ناپدید شوند علامت چهارم آنست که روز
هفدهم که این اسم را برهمین طریق میخواند بعد از صلوة عصر
در خلوت او شخصی در آید مرقع پوشیده بر شکل درویشان

ShivaDoc.com

وامرد باشد و بر روی راست او خال بزرگ باشد و گیسوی
سیاه سبز فرو گذاشته چون در آید سلام کند باید که برخیزد
و جواب دهد و اعزاز و اکرام بجای آرد اما پیش از سلام
دیگر چیزی نگوید تا دعوت گسسته نشود آن شخص دیر زمانی
در برابر او بایستد و از هر گونه سخن گوید باید که بجواب
او مشغول نگردد و از خواندن دعوت غافل نگردد و او نیز
برود و اگر با وی سخن بگوید بیم مضرت بود علامت پنجم
آنست که در روز بیست و هفتم ضمایر همه مردم برو
منکشف شود و از حال جن و انس باخبر باشد که بکجا میروند
و از کجا می آیند و چه در دل دارند اما شرط آنست که
این اسرار ظاهر نکند تا دعوت تمام گردد و اگر منتظر الدعوة
باشد علامت ششم آنست که از روز بیست و هفتم تا روز
چهلم در خلوت شب در چراغدانی سبز چراغ برافروزد
بروغن زیت و یاسمین می سوزاند تا هفت شب چنین
بکند و باید که قل اوحی تا آخر سوره بخواند هفده بار و هر
بار که خواند بر آن چراغدان دمد ناگاه چهار شخص در پیش
مندل پیدا شوند و گویند ای فرزند آدم برخیز و از این اندیشه

ShivaDoc.com

درکذر غرض تو ازین دعوت چیست وچه میخواهی اکر مال
میخواهی بدهیم واکر عاشقی معشوق ترا بتو رسانیم واکر علم میخواهی
درآموزیم واکر دشمن داری هلاک کنیم وانچه مقصود تست
برآریم چندانکه ازین نوعها کویند او التفات نکند وجواب
ندهد تا زمانی که سوکند یاد کنند که انچه مراد تست بکوی
پس او کوید که ای آفریدکان خدای مرا با شما هیچ کاری
نیست وبخواندن مشغول شود چندانکه کویند از میان
مندل بیرون ای باید که از جای نجنبد ومشغول دعوت
باشد تا روز چهلم که اربعین است ناکاه غلغلی واشوبی
ظاهر کردد علامت هفتم آنست که چون این غلبه پیدا
شود خواه روز وخواه شب چند بن شعله وشمع ظاهر کردد
وفوج فوج لشکر درآیند هر یک بصورتی وسلاحی ومرکبی که
جهان از ایشان بتنک آید باید که نترسد ودل نکهدارد
وبخواندن مشغول کردد ونظر بخود دارد تا زبانش نلرزد
که ناکاه کوکبه سلطان درسد وسوار مهیب باشد
بر شیری نشسته ومار عظیم در دست کرفته وماه رویان
بسیار بکرد وی درآمده وطبقهای نثار بر کرفته واو ملک الارواح

ShivaDoc.com

است وجندین هزار پری در فرمان او باشند در اید و بر
صاحب دعوت سلام کند باید که صاحب دعوت برخیزد
برسم بندگان دست بر سینه نهد وجواب سلام گوید واسم را
همچنان نخواند تا او گوید ای فرزند آدم مقصود تو چیست
گوید که ای مقرب خدای آسمان و زمین خدای تعالی از تو
خشنود باد چنانکه بدعوت من آمدی و مرا مشرف
کردی اکنون مرا مراد آنست که مرا بمقدم لشکر خود نمائی
تا در همه احوال معاونت من کنند و از حضرت غیب
مرا بهره مند گردانند و از احوال من باخبر
باشند وچون این معنی قبول کند و ترا بمقدم لشکر
نماید و او در حکم تو آید و فرمان بردار تو شود بسیار عجایب
از تو پیدا گردد وجمیع مخلوقات روی بتو آرند وچون این
فرصت بیابی بگوای ملک الارواح بدست مبارک خود
بیعت نامه نویس و بمن ده تا بوقت حاجت بکار آید پس
ملک الارواح بیعت نامه بنویسد و بتو آموزد که بوقت
حاجت چه می باید کرد و همه را در حکم تو کند وچون بعهد
وبیعت رفته باشد پادشاه جامه خود را بتشریف بتو دهد

ShivaDoc.com

و ترا بلشکر نماید و از نظر تو غایب شود و باید که سوره فتح بخوانی
و از منزلهٔ بسلامت بیرون آیی و هر چه خواهی توانی کرد و ما
فائده این اسم بطریق اختصار گفتیم و اسم شانزدهم اینست که
یا حنان انت الذی وسعت کل شیء رحمة و علما که این
خاصیت اسم هفدهم آنست که اگر کسی قرض بسیار دارد چون این
اسم بنیت گذاردن قرض بسیار بخواند حق تعالی او را از آن قرض خلاص
بخشد و بهر کار که متوجه شود بیشک بر آید و اگر در وقتی که آفتاب
اوج شرف باشد بنویسد بر کاغذ نیک بحروف و با خود دارد
هرگز محتاج نگردد و عمرش برکت یابد و اسم هفدهم اینست
یا منان ذا الاحسان قد عم الخلائق منه خاصیت اسم
هجدهم آنست که اگر کسی با اسم تجارت و دیعتی بکسی دهند باید که
این اسم را بر حریر سفید بمشک و زعفران بنویسد و بر سر آن
ودیعت نهد آن ودیعت بسلامت بخداوندش رسد
و در هر خانه و سفر که این اسم باشد از دزد و حرامی ایمن باشد
و اگر بر جامه کعبه نویسند و با میت در گور نهند از برکت این
اسم نپوسد و نریزد و اگر کسی را برص بود و رنجی چون این اسم را با خود
در خانه انکس در دیواری که بجانب قبله باشد پنهان کنند آن غم

کل الخلائق

با خود دارد خدای تعالی او را شفا دهد و اگر خواهد که کسی بسفر رود این

ShivaDoc.com

اسفر باطل کردد و زینهار که شکل نیارد که بیم بود و اسم هجدهم اینست
یا دیان العباد کل یقوم خاضعا لرغبته و رهبته خاصیت
اسم نوزدهم انست که اکر کسی غایب باشد و از احوال او هیچ خبر
نباشد این اسم بنیت ان غایب هفتاد بار بخواند و بعد از ان
بر ورق اهو نویسد بمشک و زعفران و شب در زیر بالین
نهد هم در آن شب وی را بخواب بیند که حال دارد زندکی
و مردکی و خیر و شر و اکر نیت غایبی بخواند شب شنبه هفتاد
نوبت ان غایب بزودی بخانه خود رجوع کند که دیکر هیچ
جای قرار نکیرد و از سر اعتقاد این عمل کنند و اسم نوزدهم
اینست یا خالق من فی السموات والارض و کل الیه معاده
خاصیت اسم بیستم انست که اکر کسی خواهد که کسی را
از عشق خود بیقرار کند باید که این اسم را بر کاغذ خطائی
بمشک و زعفران بنویسد و بر کنار جویی که آب بسیار دارد
بایستد و چهل بار این اسم را بخواند و کاغذ را در آب
اندازد بنیت انکس که خواهد از عشق بیم بود که دیوانه
کردد و هر کس که از آن آب خورد که این اسم بران آب
خوانده باشد دل او روشن کردد و ایمان او تازه کردد

جزالایمان

ShivaDoc.com

و با ایمان بود همیشه و در باغ و زرعی که از آن آب رود جندان برکت

شرح پیدا شود که نتوان کرد و اسم بیستم اینست یا رحیم کل صریخ و مکروب
و غیاثه و معاذه خاصیت اسم بیست و یکم آنست که اگر خواهند
که ایشان را نزدیک ملوک و سلاطین جاه و منصبی باشد باید که دوازده
روز روزه دارد و هر روز دو هزار بیست و پنج بار این اسم را دعوت کند
و برخواندن این اسم مواظبت نماید چنانکه هر روز بعد از اداء صبح
تا بوقت چاشت مشغول گردد و درین ایام از حیوانی پرهیز کند و
با مردم سخن کمتر گوید و بخلوت نشیند بعد از آن بهر که از اکابر توجه
کند بدرجه رفیع رسد که همگی اعمال ایشان باو مفوض گردد و روز بروز
کار او بالا گیرد و اگر این اسم را چهل و یکروز بخواند هر روز هفت
هزار بار و درین ایام حیوانی نخورد تسخیر ارواح و سلاطین او را
حاصل گردد و کار او بالا گیرد و غنی گردد و مرادش برآید اسم بیست
و یکم اینست یا قائم فلا تصف الالسن کل کنه جلال ملکه و عزه
خاصیت اسم بیست و دوم آنست که اگر کسی خواهد که بر حقایق
علوم مخفی و رموز کنوز بدایع رسد و از غیب خبری برو منکشف
گردد این اسم را هر روز نود و نه بار بخواند حق تعالی در علم و معرفت
بر دل او بگشاید و دانا شود و اسم بیست و دوم اینست یا مبدع

ShivaDoc.com

البدایع لم یبغ فی انشائها عونا من خلقه خاصیت اسم بیست
وسیم آنست که هرکرا قوت حافظه نباشد وطبع کند بود این اسم را
بسیار خواند چون مدتی مداومت کند ذهن او روشن کردد واکر
کسی دعوت این اسم کند بمرتبه صاحب دیوان رسد اما باید که هر
روز هزار ویکبار بخواند تا دولت روی بوی آرد وجهان بزرک
کردد که ممالک روی زمین بوی رسد سپارند واسم بیست وسیم
اینست یا علام الغیوب فلا یفوت شئ من حفظه خاصیت
اسم بیست وچهارم آنست که اکر کسی این نام را بسیار خواند در میان مردم
وقاری پیدا کند ومردم را بر قول وفعل او اعتماد کلی پدید آید ومحبوب
دلها شود وهیچکس با وی دشمنی نتواند کرد وباید که این اسم را بیست
هزار بار بخواند وهرچند زمان که باشد واکر این اسم را بر چیز خوردنی
خواند یا نویسد وبهر که خواهد بدهد تا بخورد آنکس از عشق
دیوانه کردد وباید که از سر اعتقاد این عمل کند واکر بر به یا بر سیب
نویسد بهتر باشد واکر به نیت محبت بر کاغذ خطائی نویسد
بمشک وزعفران بساعت سعد وبجای بلند بیاویزد همین عمل
کند اسم بیست وچهارم اینست یا حلیم ذا الاناة فلا یعاجله
شئ من خلقه خاصیت اسم بیست وپنجم آنست که اکر کسی را احوال

ShivaDoc.com

پریشان باشد و روزگار از دست رفته و بفقر و فاقه گرفتار شده
این اسم را بعد از هر نمازی سیصد و یکبار بخواند بفرمان خدای تعالی تغییر
و تبدیل در وی پدید آید و باندک روزگاری متمول شود و جمعیت پیدا
کند و این اسم را عقد اللسان اعظم نام نهاده اند اما باید که درست
خواند و شک در خاطر نیارد و اسم بیست و پنجم اینست یا معید ما افناه
اذا برز الخلایق لدعوته من مخافته و عزته خاصیت اسم بیست و ششم
آنست که هر که در میان قومی سرور بود و خواهد که آن سروری باینده
باشد باید که در خواندن و مداومت این اسم تقصیر نکند که مراد برآید
و اسم بیست و ششم اینست یا حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه
بلطفه خاصیت اسم بیست و هفتم آنست که اگر کسی این اسم را بسیار
خواند و یا بنویسد و با خود دارد در میان خلایق عزیز و مکرم گردد
و دیگر ذلیل نشود و اگر این اسم را بر نگین زرین نقش کند و بموم پاک
مهر بر گیرد هفت نوبت و بآب باران اندازد و شصت و سه بار این
اسم بر خواند هرگز غمگین نگردد و درویش نشود و از عالم غیب درهای
بسته بروی او گشاده گردد و در پیش همه عزیز باشد و هیچکس با وی
دشمنی نتواند کرد و دعوت این اسم چنان است که مدت بیست و پنج
روز حیوانی نخورد و هر روز سه هزار و دویست بار بخواند از سر

ShivaDoc.com

اعتقاد و محکم دل و جان با خدای تعالی دارد و بعد از آن آنچه حاجت
وی باشد بخواهد روا شود و چند سر از عالم غیب برو منکشف
و آشکارا گردد و نور در دل وی پیدا شود باذن الله تعالی و اگر این
اسم را بسیار خواند هر مرادی که دارد بیابد ببرکت این اسم و اسم بیست
و هفتم اینست ۵ یا عزیز المنیع الغالب علی امره فلا شیء یعادله
خاصیت اسم بیست و هشتم بدانکه خاصیت این اسم بسیار است
از دوستی و دشمنی و عقد النوم و عقد اللسان و عطف قلوب
و غیره اما درین کتاب شرح آن بتفصیل نمیتوان گفت که بتطویل
انجامد لکن بعض بطریق اختصار گفته آید بدانکه این اسم بغایت
عظیم الشان است آسمان و زمین و شمس و قمر و همه خدای تعالی
آفریده بقدرت و عظمت این نام آفریده و نقلست که این نام بر
پیشانی عزرائیل نوشته شده و عزرائیل بقوت این اسم قبض روح
کند و از خواص آن یکی آنست که در جنگی دو لشکر در برابر ایستاده
باشند هفتاد و یکبار بخواند و باد بر طرف دشمن دمند تزلزل
در آن لشکر افتد و همه منهزم شوند و اگر کسی را دشمن قوی باشد
و خواهد که او را هلاک کند یک هفته هزار و یکبار هر روز این اسم را بخواند
و صورت دشمن را اول زرد کند و بعد از سه روز که در خواندن بود

عورت

ShivaDoc.com

صورت او را سرخ تصویر کند چنانکه از تصور غایب نشود در سه روز
اول که زرد تصویر کرده باشد کشته شود یا بمیرد و هندوان
این عمل را علم وهم گویند و شرح این بسیار است باقی بتجربت
معلوم شود و اسم بیست و هشتم اینست ه یا قاهر ذا البطش
الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه خاصیت اسم بیست
و نهم آنست که اگر کسی معامله با پادشاهی یا بزرگی دارد و آن بزرگ
در ادای آن بعضی تقصیر میکند باید که بزیارت متبرکه
رود و سه روز دو رکعت نماز کند در هر رکعتی بعد از فاتحه
سه بار انا انزلنا را بخواند و چون از نماز فارغ شود صد
و بیست و پنج بار این اسم [illegible] بخواند و دعا کند و از خدای
تعالی درخواهد که یا رب بحق این اسم اعظم که در دل فلان شخص
انداز که حق مرا بی زحمت بزودی بمن رساند و در دل فکر فاسد
نکند اسم بیست و نهم اینست ه یا قریب المتعالی فوق کل شیء
علوا ارتفاعه خاصیت اسم سی ام آنست که اگر خواهند شخصی
که در میان مردم عزیز گردد و با کم نام گردد بیست و هفت بار
روز که منازل قمر است هر روز چهل بار به نیت آن بخواند مراد
برآید و اگر کسی خواهد بکند خواه در حق خود و خواه در حق غیر

ShivaDoc.com

باید که هر روز چندانکه تواند بخواند یا آنکه در مدت یکماه سیصد
هزار بار بخواند و اگر خواهد که کدارا پادشاه کند بهر نیت که خواهد
بخواند بصدق درست بمراد رسد و در این اسم عجایب بسیار است
و اسم سی ام اینست یا مذل کل جبار عنید بقهر عزیز سلطانه
خاصیت اسم سی و یکم اینست که اگر دختری را بخت بسته شود
و یا کسی را کار و بار بسته باشد باید که این اسم را بر ورق آهو نویسد
و در آب رودخانه اندازد و یا در سقف مسجد نهد خدای
تعالی در کار او در بگشاید و بخت او را بگشاید و اگر این اسم را
هفتصد بار بر دل گوسفندی که سرش سیاه بوده باشد
بخواند و هر بار که بخواند باد بر دمد و بگوید یا رب الارباب
و یا مسبب الاسباب و یا قاضی الحاجات و یا مجیب الدعوات
اقض حاجتی فی هذه الساعات بعد از آنکه این اسم را هفتصد
بار خوانده باشد این اسم را بنویسد و در اندرون آن دل نهد
و می باید که چشم هیچکس بر آن دل نیفتد بعد از آن در آستانه
مسجد یا در سقف مسجد پنهان کند و در وقت باز کردیدن
نیز بخواند البته بزودی بمراد رسد و اسم سی و یکم اینست
یا نور کل شیء و هداه انت الذی فلق الظلمات بنوره

خاصیت

ShivaDoc.com

خاصیت اسم سی ودوم آنست که اگر بنده که زیردست خداوند
باشد وپیوسته بروجور وجفا میکنند واز وی بتنگ آمده
باشد خواهد که بالادست او شود روز یکشنبه که نوبت
آفتاب است جامه پاک در پوشد اما باید که بروزه باشد و
بصحرای رود که کسی را نه بیند این اسم را هزار وهفتصد بار
بخواند وهر بار که بخواند بدان نیت باد بر خود دمد که پشک
بروی ظفر یابد ودعوت این اسم چنین باید که هفت شبانروز
علی الدوام این اسم را بنام او بخواند واز خدای تعالی آزادی خود
یا از هر کس که خواهد درخواهد حق سبحانه وتعالی اجابت کند
واو را از ربقه اسیری خلاص دهد وتا این اسم خواند حیوانی
نخورد وچیزی خورد حلال باشد وخاطر از کین وبخل وعداوت
پاک دارد تا مراد یابد واسم سی ودوم اینست یا عالی الشامخ
فوق کل شیء علوا ارتفاعه خاصیت اسم سی وسیم آنست که
چون کسی مداومت این چهل اسم کرده باشد دل او صافی ونورانی
گردد که از مغیبات هیچ چیز بروی پوشیده نماند وچون بدین
اسم رسد هرچه از مقدورات بود چون در خاطر بگذارند
انجبان شود که خواهد واگر خواهد که بی وقت باران وبرق

ShivaDoc.com

از مغیبات بروی کشف کردد اما مخفی دارد و صاحب این
دعوت هر کار که کند تواند و اسم سی و پنجم اینست یا مبدی
البرایا و معیدها بعد فنائها بقدرته خاصیت اسم سی
و ششم آنست که خواننده این اسم شهرت یابد در عالم معروف
و مشهور جهان کردد و همه خلق متوجه او کردند و اسم سی و
ششم اینست یا جلیل المتکبر عن کل شیء فانعدل امره و الصدق
وعده خاصیت اسم سی و هفتم آنست که اکر کسی را کناه بمقدار
کوه باشد این اسم را بخواند برای نجات خویش حق سبحانه و تعالی
کناهان او را بیامرزد و از اهل بهشت کرداند و اکر بر کفن
او نویسند کفن را بروی حله کردانند و کور را بروی روضه
کردانند از روضهای بهشت و اسم سی و هفتم اینست
یا محمود فلا تبلغ الاوهام کل کنه ثنائه و مجده خاصیت
اسم سی و هشتم آنست که اکر کسی دنیای خواهد این اسم را
باید که بسیار خواند تا غنی کردد و هرکز محتاج نشود و فرو
ماندکی نه بیند و اسم سی و هشتم اینست یا کریم العدل
والعفو انت الذی ملأت ملاء کل شیء عدله خاصیت
اسم سی و نهم آنست که اکر خواننده این جهل اسم چون

ShivaDoc.com

برانگیزد و زلزله پیدا کند اما باید که با طهارت باشد و اسم سی
و سیم اینست یا قدوس الطاهر من کل سوء فلانی بعزاز ه
من حلقه خاصیت اسم سی و چهارم آنست که اگر کسی را
دشمنان قصد کنند و یا در دست ایشان گرفتار بود این
این اسم را چهل نوبت بنام او و ایشان بخوانند و در آن
جانب که آن کس باشد بدمند بفرمان خدای عم از دشمنان
امان یابد و اگر مریضی باشد که جمله اطبا از معالجه آن
عاجز باشند این اسم را بر وی بسیار بخوانند از برکت این
اسم و اسم سی و چهارم اینست یا قریب المجیب المدانی فوق
کل شیء قریبه خاصیت اسم سی و پنجم آنست که این شخص
باید که منزوی شود و برخواندن این اسم مداومت نماید
باندک زمانی صاحب وقت گردد و مردان غیب روی بوی
آرند و با او صحبت بدارند و نیز بر وی هیچ چیز پوشیده نماند
و دعوت این اسم چنان باشد که چهل روز در خلوت
نشیند و آن خلوت در کوه باشد و چهل روز با کس سخن
نگوید و هیچ چیز از دست کسی نخورد باید که خود به پزد و از راه
پرهیزد و هر روز چندانکه تواند این اسم بخواند و هر چه

شفا یابد

ShivaDoc.com

دل او صافی شده باشد چون این اسم را بخواند بهر مراد
که از و خواهند فی الحال میسر گردد و ینابیع علم و حکمت بر دل
و زبان او جاری گردد و جمله حیوانات فرمان بردار او گردند
و اسم سی و نهم اینست یا عظیم ذا الثنا الفاخر و ذا العز
و المجد و الکبریاء فلا ینذ عزه خاصیت اسم سی و نهم
آنست که اگر کسی در کاری فرو مانده باشد و کسی بفریاد او
نرسد و دستگیری او نکند و یا در دست ظالمی گرفتار باشد
و هر چند دعا میکند مستجاب نشود چون این اسم را نود
بار بخواند از آن خلاص شود و صاحب دعوت گردد و حوائج
این اسم تصرف کند در ضمایر و بقوت جاذبه دلها را در قید
خود آرد و تسخیر خلایق از جن و انس بدست آرد تا بهر چه
شروع کند میسر شود بتوفیق الله سبحانه و اسم سی و نهم اینست
یا عجیب الصنایع فلا تنطق الالسن بکنه آلایه و ثنایه
و نعمایه و نهایه اسم چهلم یا غیاثی عند کل کربة و معاذی
عند کل شدة و مجیبی عند کل دعوة تمت الاسماء اسالک
بحق هذه الاسماء ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان ترزقنی
امنا و ایمانا و عافیة و امانا من عقوبات الدنیا و الاخرة

یا عظیم الثنا الفاخر ذا العز

ShivaDoc.com

وان تصرف عني ابصار الظلمه المريدين بي السوء وان
تصرف قلوبهم عن شرها يضمرونه الي خير ما لا يملكه غيرك
اللهم هذا الدعا ومنك الاجابة وهذا الجهد وعليك
التكلان اللهم لا تكلني الي نفسي فاعجز عنها ولا الي الناس
فيظفروا بي ولا تخيبني وانا ارجوك ولا تعذبني وانا
ادعوك ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلي الله علي
محمد وآله المعصومين

مرويست كه هركس هفت نوبت سوره والشمس
وضحيها وهفت نوبت سوره والليل اذا يغشي وهفت نوبت
اين دعا را بخواند در شب پنجشنبه يا شب جمعه ودر انجا
كه ايات را ميخواند بايد كه عورت نباشد تا انكه بعنايت
رب العزة در خواب حضرت صاحب الزمان را سند
ومراد برسد دعا اينست الهي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ
وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَضَاقَتِ الْاَرْضُ وَمُنِعَتِ
السَّمَاءُ وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَاِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ

ShivaDoc.com

اَلْمَعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاُولِي الْاَمْرِ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ
وَعَرَّفْتَنَا بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ نَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا
عَاجِلًا قَرِيْبًا كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ
يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ
يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَانْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ
يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَلْاَمَانُ اَلْاَمَانُ اَلْاَمَانُ
اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي
وبانکشت اشارت بسینه خود کند اَلْعَجَلَ اَلْعَجَلَ اَلْعَجَلَ
اَلْعَجَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ
وَسَلِّمْ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا كَثِيْرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
وبجهت احضار حضرت خضر نبی ع واستمداد
ازو منقول از اکابر دین است وبغایة مجرب است

ShivaDoc.com

سه نوبت باخلاص بیکنفس بخواند وخضرعم را
مخاطب ساخته مدد طلبد یالطیفاً بخلقه
یاعلیماً بخلقه یاخبیراً بخلقه الطف بی یالطیف
یاعلیم یاخبیر سه نوبت بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم علیک یارب هیئ لنا من امرنا
رشداً تقدس یامن تمجد بالعظمة والجلال وتنزه
من تفرد بالقدم والکمال عن مشابهة الاشیاء والامثال
ومصادمة الحدوث والزوال مقدر الارزاق والآجال
ومدبر الکائنات فی ازل الآزال عالم الغیب والشهادة
الکبیر المتعال نحمده علی فضله المترادف المتوال ونشکره
علی ما عمنا من الانعام والافضال ونصلی علی محمد
الهادی الی نور الایمان من ظلمات الکفر والضلال وعلی
آله واصحابه خیر صحب وآل

ShivaDoc.com

آیۃ اولیٰ قُلْ لَنْ یُصِیْبَنَا اِلَّا مَا کَتَبَ اللّٰہُ لَنَا ھُوَ مَوْلٰنَا وَعَلَی اللّٰہِ فَلْیَتَوَکَّلِ
الْمُؤْمِنُوْنَ الثَّانِیَۃ وَاِنْ یَّمْسَسْکَ اللّٰہُ بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَہٗ اِلَّا ھُوَ
وَاِنْ یُّرِدْکَ بِخَیْرٍ فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِہٖ یُصِیْبُ بِہٖ مَنْ یَّشَآءُ مِنْ
عِبَادِہٖ وَھُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ الثَّالِثَۃ وَمَا مِنْ دَآبَّۃٍ
فِی الْاَرْضِ اِلَّا عَلَی اللّٰہِ رِزْقُھَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّھَا وَمُسْتَوْدَعَھَا
کُلٌّ فِیْ کِتَابٍ مُّبِیْنٍ الرَّابِعَۃ وَکَاَیِّنْ مِّنْ دَآبَّۃٍ لَّا تَحْمِلُ
رِزْقَھَا اَللّٰہُ یَرْزُقُھَا وَاِیَّاکُمْ وَھُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ الْخَامِسَۃ
اِنِّیْ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰہِ رَبِّیْ وَرَبِّکُمْ مَا مِنْ دَآبَّۃٍ اِلَّا ھُوَ اٰخِذٌ
بِنَاصِیَتِھَا اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ السَّادِسَۃ وَلَئِنْ سَاَلْتَھُمْ
مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَیَقُوْلُنَّ اللّٰہُ قُلْ اَفَرَاَیْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ
مِنْ دُوْنِ اللّٰہِ اِنْ اَرَادَنِیَ اللّٰہُ بِضُرٍّ ھَلْ ھُنَّ کٰشِفٰتُ ضُرِّہٖ
اَوْ اَرَادَنِیْ بِرَحْمَۃٍ ھَلْ ھُنَّ مُمْسِکٰتُ رَحْمَتِہٖ قُلْ حَسْبِیَ اللّٰہُ
عَلَیْہِ یَتَوَکَّلُ الْمُتَوَکِّلُوْنَ السَّابِعَۃ فَسَتَذْکُرُوْنَ مَا اَقُوْلُ
لَکُمْ وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰہِ اِنَّ اللّٰہَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ
سنہ ۱۸۶۷ھ

٦ مَا یَفْتَحِ اللّٰہُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَۃٍ فَلَا مُمْسِکَ لَھَا
وَمَا یُمْسِکْ فَلَا مُرْسِلَ لَہٗ مِنْ بَعْدِہٖ وَھُوَ
الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ

ShivaDoc.com

بسم الله الرحمن الرحیم

شکر و سپاس و ستایش مر خدایرا جل جلاله که افزاینده کار طبایع ارکانست و درود بر پیغمبری
که بهتر از انس و جن است اما بعد چنین گوید مؤلف این کتاب محمد بن سراج الدین
سکاکی که چون حدتی در فنون تسخیرات کواکب و تسخیرات جن و انس و علم حب و
بغض مشغف گشتیم و بعمل آوردم و بمناصب هر یکی رسیدم این مختصر را نوشتم تا بهر
کس بهره و حظی برسد و مرا بدعا یاد آرند والله اعلم تسخیر آفتاب از قول محمد بن
سراج الدین سکاکی اگر خواهی که آفتاب را تسخیر کنی باید که سه روز روزه داری و هر روز
غسل کن و بعد از آن زرد یا سرخ در پوشی و هر روز وقت طلوع و در وقت غروب بخور
آفتاب بایستی و این بخورات را چنین کنی و کوبها بسازند و در مجمری که از زر سرخ بوده می
سوزی هر بار هشت مثقال هر روز دو بار و خود در میان منزل بایستی و شهابرم نه
چنانکه در پیش ما گمان می ایستی و دایم این اسما را بخوان چنانکه در دل تو هیبت بدید آید
و در هر روزی وقت غروب آفتاب خونی میکن هر خونی که دست دهد تا آنکه خونی
کرده شود باید که زرد بود یعنی جانور زرد بود یا بره زرد و گاو زرد و چون
خونی کنی باید که زینهار از شب تا شفقی تمام نه نشینند از منزل بیرون نیای که روح
ناطقه شمس در اسمانها حرکت عظیم میکند و در وجود تو خونی عظیم بدید آید و دل
تو طپان شود زینهار نترسی که آن ترس سلطنت باشد و چون صد و سی و یک روز
بگذرد و تو را هیبتی عظیم پیدا شود و چنان شوی که در چشم تو هیچ امیری
و پادشاهی را قدر نماند و ایشان جمله از تو بترسند و از پیش تو خورد نمایند و جمله
خلایق از زن و مرد از تو بترسند و تو را دوست دارند و جمله خواهند که بنده
شوند و در پیش تو مسکنتها کنند و مال و جان از تو دریغ ندارند و علمهای
غریب بر تو مکشوف شوند و چون چهل روز شود تمام پادشاهان اگر تو را
بینند برخیزند بی موجبی و تو را از خود برتر بنشانند و در تو بنظر دوستی
و محبت و تعجب نگران باشند و از تو چیزهای عجیب صادر شود بی آنکه تو را در آن

ShivaDoc.com

اختیار بود و خوابهای عظیم به هیبت بر بینی و دایم روی تو درخشان بود چون
آفتاب و اندامهای او کرم بود در این حدیث بر مثال کسی که دایم تب داشته باشد
ولی وجود تو عظیم قوی شود و در پیوندهای تو قوتی پیدا شود چنانکه اگر
خواهد کاوی را از زمین بردارد باسانی تواند برداشت و در این دهر اخرین که
صد و پنجاه روز تمام میشود که وقت مسخر شدن شمس است از منزل در وقت حمل
بیرون آید و باز غسل کند و در منزل درآید و در آنجا نزد که منزل کشیده باشد
در بچه بسازد یکی بسوی برآمدن آفتاب و یکی بسوی فرو رفتن آفتاب عکس او در آخر
و اول روز در خانه آفتاب البته و در این مدت دایم در حضور بود و بخواند اسماء الله
مشغول باید بود و در هر روزی عزیمت تسخیر را هزار سیصد و شصت یکبار
بخواند و بر آفتاب دمد و حرز شافی را هر روز صد بار بخواند و بر خود دمد
اگر فرصت یابد آنقدر که تواند از قرآن بخواند و در این دهر پنجاه روز آخر چنان
شود که جمله کنوز و دفاین روی زمین از زر و یاقوت سرخ و چیزهائی که تعلق
بشمس دارد بر وی کشف شود و بداند که کجاست و ارواح شمس بصورتهای
بغایت خوب با او در سخن شود هر روز دو بار و در شبها خواب از وی برود
و وی از بزرگی خود در تعجب بماند و دم بدم قوی تر شود و از حد بیرون زور آور
شود و زینهار در خود عجب پیدا نکند و مثل اینها را از بزرگی نام خدا بیهمتا غریب
نپندارد تا چون شب صد و پنجاه و یکم شود و آفتاب فرو رود سر گاو سرخ
از طرف مغرب آسمان پیدا شود و سر گاو زرد از طرف مشرق پیدا شود چنانکه یک
این گاوان چشم را خیره گرداند و بر گاوان سواران باشند تاجهای ایشان از نور
و کمرهای ایشان از نور و روبهای ایشان از نور بود و از ایشان بوی بهشت
آید چنانکه این کس بیخود شود و ایشان بیایند و در پیش وی بایستند تا این
کس بهوش باز آید و بدین کس سلام بکنند که بنده عزیز کرده خدای و ای
بنده قوی کرده خدا امدیم بدان که عزت داشت نام خدا و از برای عزت داشت تو

ShivaDoc.com

بنده گرامی مبارک باد تو را پادشاهی زمین و آسمان چهارم و شادمانی باد تو را
بر سلطنت دنیا و پادشاهان دنیا و جمله خلایق وی برخیزد و تواضع بسیار کند
و گوید خدا مزد شما دهاد از نیکی ای مغربان عالم نور گو بیند زحمت بسیار کشیدی
تا ما را بنام خدا تعالی از عالم بالا بعالم سفلی بیاوردی مقصود عرض کن تا مراد
یابی و گوید مقصود مراد بداد شماست و مطلوب با تو قدرت خداست جل جلاله
و غرض یادگار نیست از شما تا هرگاه که مرا جمال شما آرزو کند بان نشان شما را بخوانم و
شما را ببینم و مرادهای من حاصل شود و روح ناطقه مشرقی سازند یکی مهره بیرون
سبز و بر وی خطی بنور نوشته شود نام بزرگ خدا تعالی با وی دهند و عهد بندند
و بگویند این مهره را پاک دار و بزرگ دار چنانکه چشم هیچکس بر وی نیافتد چون عهد
و میثاق بربندند آنگاه برخیزند و بروند تو برخیز و ایشان را تعظیم کن و دعای
بسیار کن و هم چنان دعا میکن تا از نظر تو غایب شوند و روح ناطقه غربی سازند
یک مهره بیرون آرند زرد و بر وی خطی سرخ نوشته نام بزرگ خدای را جل جلاله و بتو
دهند و عهد بندند و گویند که زنهار مهره را پاک دار و هیچکس منمای تو ایشان را
عذر بسیار گوی و دعا کن تا بغایبی تا از چشم تو غایب شوند و تو چون از منزل بیرون
بیائی آن هر دو مهره را خاکی بساز یعنی در انگشتری بکن و چنان کنی که در اندرون
انگشتری پیدا باشد تا نظر کسی بروی نیافتد و هر چیز که خواهی از آنجا بیرون کن و
بخور برآتش نه و عزیمت را یکبار بخوان جمله حاضر شوند و آنچه تو فرمائی بکنند
از سلطنت و قبض و بسط ملوک و من که سکاکی ام این عمل کردم و بمقصود رسیدم
ولیکن نگویم که چه حالهای بسیار دشوار و خوفهای بیشمار دیدم و این واقعها
که مرا پیش آمد هزار بار از ترک سخت تر بود تو نیز چون عمل کنی بدانی که چون آسان
کردم تا هر که مبتدی این معنی باشد هر آینه بمقصود رسد اما زمین منزل را
باید که یکی اندود کند و چهار منزل بکشد از زر یا برنج و چهار خط
مدور در اندرون آن بکشند و بر چهار رکن منزل چهار علم زرد از چوب

ShivaDoc.com

زرد بیاویزد و بر چهار رکن چهار کارد بزند و شکل منزل اینست

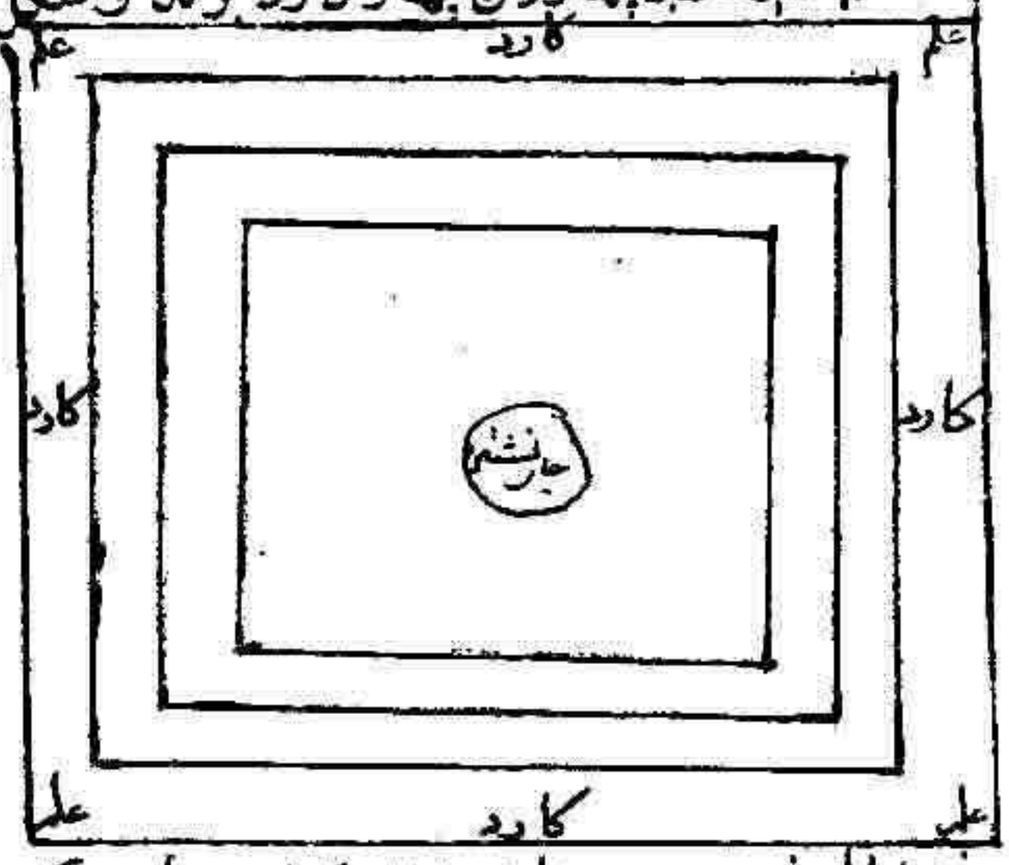

وقتی که در منزل در
میاید بغیر وقت بر
آمدن آفتاب و وقت
فرو رفتن در آید و
تا عزیمت را تمام بخواند
بیرون نیاید تا هم چیم
بجز رد آرد و چون
بجز تمام شود و عزیمت تمام شود و چون شافعی بخواند و کاردها در کند و علم را بماند و بیرون آید و احتیاج بروزه نیست در این مدت اگر تشنه نباشد ولی در جای زود که آفتاب بروی افتد و آن ذکر را تغیر نکند که بغایت بد باشد و اگر چیزهای مزود بسیار بیند بهتر بود و اگر جامهای نفیس پوشد و نپوشد باکی نیست خلاف قول ارسطاطالیس و دیگران که سجده فرموده اند ناس سجده بغیر از خدا نیز نشاید و آفتاب مطیع است و هر که سجده کند هرگز مسخر نشود و بقولی کافر شود و بقولی زندیق بود و اگر اینها نبود نیز هرگز شمس مسخر نشود و اسماء الله خواص ندهد و شمس خشم گیرد چون از منزل بیرون آئی آتش بفرستد در وقتی که تو بود بمسخر شدن و این کس را بسوزد و برادرزاده من چنین کرد و بسوخت و این مشهور است و بعد از سوختن او من دانستم که چنین نباید کردن و بدین قول مذکور عمل کردم و نیک آمد و مسخر شد و عالمیان نیز دانستند که من چه کرده ام و ایشان چه کردند والله اعلم و بخوراتی که در این مدت باید سوختن اینست کندر سفید زعفران مشک دند گل سرد هلیله زرد گل نار عود قماری کهل دریا اشهب مصری اینها را خورد بکوب و بیجین کن

ShivaDoc.com

باکبیرا بوقت حاجت مهسوزان حرز شافی که کفته شاه بود اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اعوذ بنور قدسك وعظمة طهارتك وبركة جلالك من كل انه وعاهة
ومن طوارق الليل والنهار والجن والانس الا طارقا يطرق بخير يا رحمن يا
رحيم اللهم انت مفزعي فبك اعوذ وانت ملاذي فبك الوذ وانت عياذي فبك اعوذ
يا من ذلت له الجبابرة وخضعت له اعناق العزاعز اعوذ بجلال وجهك من
خزيك ومن كشف سترك ومن نسيان ذكرك ومن تقصير عن شكرك انا في
حزنك ليلي ونهاري ونومي وقراري وضعفي واسفاري ذكرك شعاري
وثنائك دثاري لا اله الا انت تنزيها لاسمك وتكريما لسبحات وجهك ا
اجرني من خذيك ومن سوء عقابك وفي سبيل عذابك وادخلني في
حفظك وعنايتك وعد علي بخير منك برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على محمد وآله اجمعين وعزيمت اينست بسم الله الرحمن الرحيم عزمت عليكم
ايها السلطان المستعلي والسيد القاهر بحق عَبْطَنُوشٍ وَطَرْهَمُوشٍ د
رَخِيمُو طَرُوشٍ وَكَى كَوْرَشٍ جَمْهُوراشٍ طَلْعَمُوشٍ اجب باسنلاشٍ طهيعادشٍ
بحق ازعَمُوجَوشٍ وَصَلْهَمُو عَطْشٍ اجب دعوتي انت الملك المستولي بحق
هذه الاسماء العظيمة

اگر خواهی که مشتری را تسخیر کنی باید که صد و شصت شش روز روزه داری
و در مدت شصت شش روز هر روز هفتاد بار بخوانی عظیمت تسخیر را و هر روز
یکبار طهارت کنی و چون مدت شصت شش روز بگذرد خانه پاك پیدا کن
و در آن خانه مندلی بکش شش خطی پنجش مربع و یکی مدور و هر روز و شب
دو هزار و دویست یکبار این عزیمت تسخیر را در میان مندل نشسته بخوان و چون
عزیمت تمام کنی این چهار اسم بخوان و بخود بدم و از مندل بیرون آی تا ثور را
اسیبی نرسد و الا چهار اسم اینست باشمملوجوش باصبلوعطش باجلعموش
و بالرخیموحبش و از مندل بیرون آی و این تسخیر را در مدت صد و شصت شش

ShivaDoc.com

روزاست و در این مدت هر روز غسلی باید کردن و در وقت یکی بشب و یکی بروز
و عزیمت باید خواندن و در پنج روز نخونی باید کردن هر چه دست دهد و هیچ
حیوانی از خود نباید کشتن بغیر از خونی که از برای مشتری میکنی چون سی روز بگذرد
از مدت تسخیر دل وی طپان شود و هیبت عظیم در دل وی پیدا شود چنانکه نیاید
که دل از قفس سینه وی بیرون میاید و جمله علما و قضاة و مشایخ و اهل اعتبار
وی را تواضع کنند و جمله مطیع او شوند و هر بامداد در شب بستر خود از نگینهای
که از مغرب بود بسیار بود و چون چهل روز بگذرد خویشتن را عظیم متصرف
بیند و چنان شود که هر که را خواهد از عالمان و مشایخ و قضاة و غیر آن
هر چه بگوید و هر منصبی که ایشان را باید تواند بخشیدن و از درازی عمر خود را
بداند و در خود وقار بیند چنانکه همه خلق از رفتار و گفتار در عجب باشند
و همه عالمیان بوی مشغول شوند زنهار که اگر تسخیر شمس نکرده باشد خود را
از حضرت مشتری نگاه دارد که پادشاهان را بروی کار دارد تا بی موجبی مضرت
بوی رسانند و بکشند چون دهر آخرین صد و شصت و شش روز مسخر شدن
باشد اندامهای وی بغایت گران باشد و در پیش وی مردم بسیار آیند و مال و
و آنچه دارند بروی عرض کنند و جمله بنده وی شوند و جمله عالمان روی زمین از کلا
و منطق و نجوم و علم تفسیر و فقه و صنعتهای مشکل که کسی نتواند کردن بروی مکشوف
شود و آنانی که تعلق بمشتری دارد و آنچه ضد وی است نیز هر چه خواهد تواند
کاشتن و جمله مقاصد و مطالب حاصل شود چنانکه وی را اختیاری بود تا چون
شب صد و شصت ششم شود و لوله در زمین پیدا شود و زمزمه در آسمانها پیدا شود زنهار که
آنکس نترسد و آن آواز بسوی او متوجه شود چون زمانی صبر کند آن آواز آتشین نزدیک رسد
و آنمیان آن آواز صورت پیدا شود که از آن خوبتر ممکن نباشد بر سان دو مرد و پیکر ایشان
مانند دو کوه زرد بود و ریش ایشان دراز بود و در دستهای ایشان دو صحیفه بود
از نور و از ایشان نور بیرون بود با امر خدای عزوجل و ایشان سوار بودند و مرکبهای ایشان را

ShivaDoc.com

چشمها مختلف باشد مانند زهره و پرها باشد از نور و بنزد یک آن کس بیایند و یکی
تاج از نور بیاورند و یکی دواج از نور بیاورند و در برابر نشینند با عزاز تمام و گویند
ما با امر خدا آمدیم و نام بزرگ او بیامدیم ای بنده بزرگ خدای تو را مطیع شدیم اما مقصود
بخواه این کس برخیزد و گوید من چون عذر شما توانم ساخت ما آنچه شما در حق من از نیکی
کردید خدا بشما بلطف شما را مزد دهاد از خیر اکنون غرض دوستی و الفت شماست
و دیدار مبارک شماست آن مهر اعظم که بدان ملایکه را توانند دیدن و بان بر آسمان
میتوان شدن و بدان نور میتوان شد و بدان در عالم نور طیران کردن و بدان دفع
مرگ میتوان کردن بمن دهید تا من بیاد کار نگاه دارم و هر چیز که خواهم توانم کردن و شما را بدان
بدان ببینم و مقصودها بیابم و عالم شوم و بر جمله عالم و عالمیان هر چه خواهم توانم کرد اسماء آن را
میبنوشتم که بدان مهرها چه نوشته است تا گستاخی نکردم که شرط ادب نباشد با وجود آنکه
دیده ام و گرفته و جمله علما نیز مقرند بدانچه من کرده ام و میدانم و آنها که نکرده اند و نمیدانند
چیزهای ناکرده را نوشته اند و مثل این اسمها را بقیاس حروف گفته اند اما ندانسته اند
ایشان را دو مهره بود یکی سبز و یکی کبود و بدان مهره بخط نور باشد اسمای بزرگ خدای
عز و جل و از وی بوی بهشت آید چنانکه بمشام هر که رسانی بیخود شود و از پای
در افتد و دو سه روز باید بهوش باز آید و هر کز لذت آن از دماغ وی بیرون نیاید
آن مهره ها را بشود هند و باز کردند و با تو عهد بندند که یکی منمای صلا و مسخر تو
شوند و چشم تو چنان روشن شود که تا آسمان ششم ببینی همه فرشتگان را بقدرت
خدای عز و جل و این از اسرار خداست و از مراتب نشانیت بیرون است و کس تا این را نبیند
فهم نتواند کردن و بسی گمراه شوند و در عجب بمانند از بزرگی خود و از کاذی عمر
و معلوم است بجمله اهل دانش را که چنین اسرار خدای را عز و جل بر بروج و بر سنا
رکان بنشسته است بلکه اینها را بر اینها بسته است و غریبت و بخور وی
ده مثقال باید سوخت هر روز هر بار پنج مثقال و دایم در خواندن اسماء الله
و قرآن باید بود و از خواب احتراز باید کردن البته و چهار علم در چهار ربع منزل باید

ShivaDoc.com

بردن و در خانه نشستن و در دهر آخر اگر غذا کمتر بخورد بهتر باشد و سخن نیز باید
که کمتر گوید و چون از خواندن عزیمت فارغ شود اکثر اوقات بخواندن و یاد کردن
خدا تعالی مشغول باشد و دلخود صافی دارد و جامهای پاک پوشد تا در دل مشتری

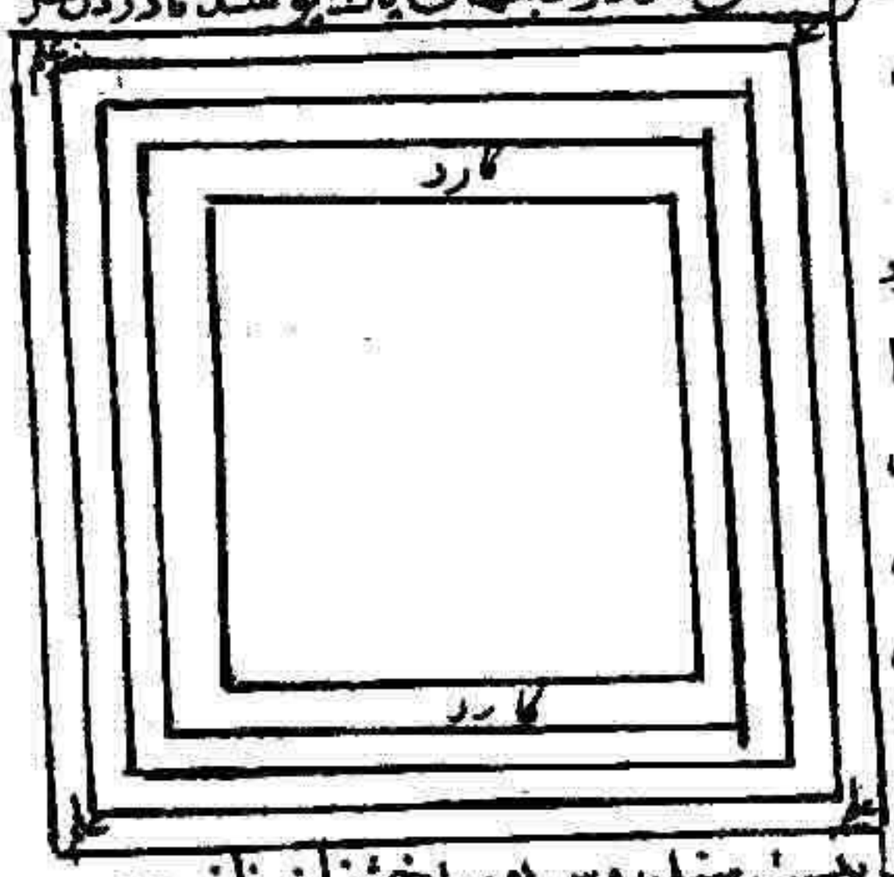

دوست شود و صورت مندل اینست
و میباید که مندل را بشش
میل پولاد بکشی و اگر بد و کارد
بکشد هم شاید و بی کارد یا
در ابندت شب و روز بیرون
نباید آوردن که از مرج خوف
باشد و وقتی که از مندل بیرون
میباید این چهار اسم که گفتیم
بخواند و برخود دمد و بخورانید بیست سندروس پوست خشخاش ناخن بیوسیم
عنبر زعفران و زان برابر باید که همه را بکوبد و باهم عجین کند و هر روز هر شب
ده مثقال از این بسوزاند و این عزیمت را بخواند تا نیک مراد حاصل شود و عزیمت
این است بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم ایها الشیطان الظاهر النقی بحق عرطنوش
وجلعبطوش وهفوعبوش یا طلعبیش جلهموش عرطنناش قوهوجبوش
اجبی عوتی الملک الاوحد القدوس وبحق الاسماء البهجة باذهانوش هبطلیش
وبحق حقک وبحرمة ربک العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین تسخیر زحل از قول محمد
ابن سراج الدین سکاکی هفتاد و هفت روز روزه دارد و جامهای پاک بپوشد
و زن جوان بکن و خانه پیدا کن که نزدیک آب بود تا پیوست زحل بتو رسد و مدت
تسخیر وی صد و هفتاد روز است و آن خانه را پاک ساز و یک جامه صوف سیاه
پیدا کن و در پوش و کوندرا رنگین کن و با مردم سخن کم گوی و بر جایهای خوش
مگرد و وقتی که از مندل بیرون آی و خانه‌های قدیم و کوشکها و بناها میرو و مدام

ShivaDoc.com

این چهار اسم را بخوان و بعوید کن و بر گردن خود بر بند تا هیچ وقت بر تو مضرت نتواند
رسانیدن و تا افتا بر استخر نکنی زنهار کرد تسخیر زحل نکردی که بسبب هلاک
بود و این چهار اسم این است یا غبدلموش فرهو عطباش سرعو نوش و هر روز
دو بار و هر شب دو بار یکی اول روز یکی آخر یکی اول شب یکی آخر شب در مندل
و هر بار هزار سیصد و شصت شش بار بخوان این عزیمت را و مندل
بهفت میل بکش و میلها را در خطها فرو بری چنانکه نباری و چهار علم در چهار
ربع مندل بر پای کنی دو حریر سفید و دو سیاه از صوف و در شبانه روزی دوازده
مثقال بخور کنی و چون خوانده را تمام کنی این چهار اسم را بخوان و بر خود دم و بیرون
آی و اگر از وقات با طهارت باید بودن تا مدت چهل روز بگذرد استخوانهای او
قوی و کلان گردد و قوت عظیم در وجود وی پیدا شود و همه عالم در چشم وی حقیر
شود و جمله کنوز و دفاین بر وی مکشوف شود و دل وی ترسان شود و در نظر
مردم عزیز بهیبت نماید و خلق از وی بترسند و علمهای دقیق که تعلق بر بناها
و گنجها دارد بر وی آسان شود و بر خود بیند که اگر دست یا پای بر سنگ زند چشمه
آب پیدا شود و اگر درختی بنشاند در یک سال معدار به بالد که بصد سال در جای
دیگر نبالد و اگر خواهد گرما و سرما را دفع کند و اگر خواهد گرما و سرما را قلبی
کاشتن چنانکه بمیرند و چون مدت صد و شصت روز بگذرد و همه را خوش شود خواب
از او برود و دل وی عظیم لرزان شود و هر که را نظر کند اگر بقهر نظر کند بمیرد و اگر بخواهد
نظر کند کمال باید در هر چه وی خواهد و دست بر هر چه نهد و خواهد که چیزی دیگر شود
آن شود که وی خواهد و اگر هر جواهر خواهد بشود چون شب صد و هفتاد یکم
شود آوازهای مهیب شنودن گیرد و در زمین لرزه افتد و دلش آهنگ دهان
کند و اندامهای او جستن گیرد معلوم شود که همین دم مسخر خواهد شدن که ناگاه
هفت هیأت آسمان پیدا شود بر مثال هفت اژدهای سیاه و جهان از ظلمت
چشم او در چشم وی عظیم تاریک شود بایدکه نترسد که همانا آنها از نظر وی غایب شوند

و بجلالان

ShivaDoc.com

وبعد از آن یک کس پیدا شود سیاه پرده و کشیده ریش و تن وی بر مثال کنبدی
عظیم باشد سیاه بیاید بر پشت مرکبی نشسته باشد و پرا شش دست بود و دو پاو
سه سر بود و دهان وی پر آتش بود وی بدیو ماند و زحل بر بالا نشسته باشد
و قطعا بتو التفات نکند در یکساعت و خبره خبره در تو نگرد و بعد از آن لطف کند و
گوید بنده خبره می نترسی و بیم نداری و بغایت خبره چشمی و از من نمیترسی گوی که با من
چه میدادی از زمان در جهان عظیم آوازهای مهیب بدید بلا بدو دل این کس انجای
بشود ساعتی باید تا بخود آید این باید بگو بلای بزرگ خدای تعالی آمد بدو و بخنده شد بدو من
محتاج بودم بلقای شما و مقصودها دارم از شما و غرض دانستن بزرگی نام خدا و عظمت
شما بود تا ببینم شما را او گوید ترا چه میباید گوید خاتم شما گوید بدهم و خاتم را بیرون آورد
که از بوی وی همه عالم معطر شود و از خوشی آن بو اگر این کس پیر بود و ریش سفید
شده باشد سیاه گردد و اگر خواهد که امرد بشود نیز بشود و البته جوان شود و جمله عالم
از حسن او سرگردان شوند و چون خاتم بزرگی بمالد عمرش چهار بار بر سر بار برابر
عمر پیشین شود و اگر کور بود بینا گردد و اگر شل بود گیرا شود و اگر پیس بود بیرنگ
شود و جمله زبانها بداند همانده بقدرت خدا و آن خاتم وی از ماه روشن تر بود و
و از نقره سفید تر بود و بر آن خاتم خطی باشد از نور سبز که اگر این کس آن خاتم را
بر چشم کور مالد روشن شود زحل بر وی خشم گیرد و سخت گوید
که زنهار بر چشم کافر و جهود و ترسا و مشرک نمالی تا در عذاب نیفتی اکنون
من با مر خدا هستم مطیع تو شدم و هر گاه که مرا با این خاتم بخوانی حاضر شوم و در این
ساعت باید ویرا تعظیم بسیار کنی از برای آنکه تو را در جهان هیچ تشویش دیگر
نماند و متصرف کلی شوی و جمیع مرادها یافتی و جامع جمله مقاصد و مطالب
عالمیان حاصل کردی بعون الله و بخورات این است پوست کندر میوه هلیله
عبیر زفت پوست سرو و اوزان این جمله را برابر بکوب و با هم بجبین کن و خشک
و بعد از آن هر روز ده مثقال بسوز صورت مندل این است

ShivaDoc.com

واین عزیمت وی بغایت بزرگست وگرامی وهرکه این عزیمت را بسیار خواند متصرف

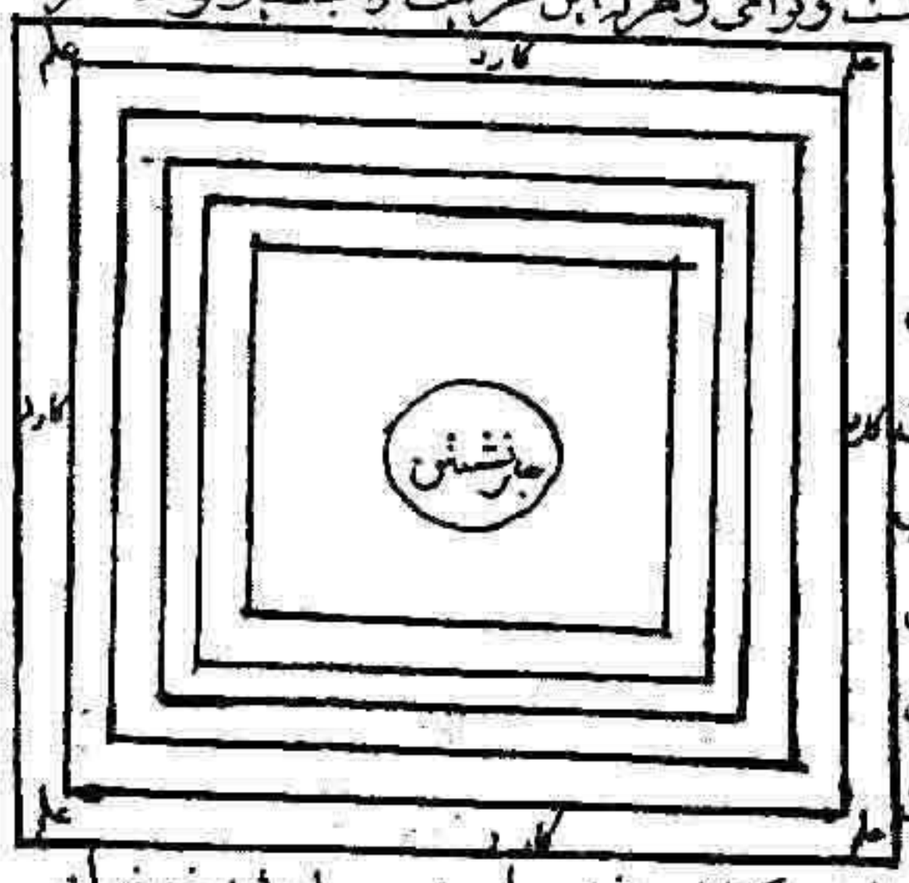

کلی شود چنانکه هرچه خواهد
از حب وبغض وغیر ان
تواند کردن خواه بتسخیر این
شود وخواه نشود ودر این
عزیمت عجایب وغرایب
بسیار است واگر بوصف
ان مشغول شویم بطول
انجامد زینها رد خواندن
وقت حاضر باید بودن واین تسخیر مشکل ترین تسخیرها ست ودر این تسخیر خوفهای
عظیم است ومن این را باسان کرده ام تا ایمرو اهل علم بدانند که چگونه تصرفها کرده ام
واثبات کرده ام در طالبان این وعزیمت این است عزمت علیکم ایها الملک العظیم
القاهر الجبار القادر الوافی الشامخ النظر کثیر الخطر عظیم الغضب ذو الفضل الکامل
بحق طرمیغاش جهمویش غرطوناش سندوهاش طرنوطیوش جلوعیش عیت
یاطنطبوش شلعموش طوکودنوش حلحموطش اجب دعوتی بذبهاش طوش
ذروش کهیطش هیمطیش اسئلک ایها الشیخ القدیم الساکن المتین بحق یا ملک
العظام وبحق خالق الفلک العظیم تسخیر مریخ از قول محمد بن سراج الدین
سکاکی رحمه الله چون خواهی که مریخ را تسخیر کنی هفتاد پنج روز روزه باید داشتن
وجامه سرخ در پوشیدن وکوشه زرد وجامه تا بان سرخ باید در پوشیدن وزنار
زرد بر سر باید بستن وخانه پاکیزه باید پیدا کردن در انخانه خانه مربع مثل از فولاد
مندلی بکشد مربع یا مسقف یعنی مربع طولانی هر دو رواست وزینها رکنا
افتاب را تسخیر کنی بتسخیر مریخ مشغول نشوی تا هلاک نکردی ومندل بخاک سرخ
ویکج بیندازی وبعد از ان مندل بکش وچهار طرف فرو برو در چهار طرف خانه مربع

بل

ShivaDoc.com

یک اسم نقش کن تا مضرت نرساند وان چهار اسم اینست یا هَیطَلَیشِ یا طَلعَمَشِ
یا طرفوفرِش یا مَشنعیوی طِمیشِ هر شب یکبار در مندل نشیند و چهار
صد و چهل یکبار عزیمت تسخیر را بخواند و بخور میسوزد هر شب پنج مثقال
و اگر طلوع وی را نتواند یافتن بخور در مقابل وی سوزاند و اگر نباید باکی نداشت
و در میان صندل بسوزد هر روزی هم پنج مثقال بسوزد و عزیمت بخواند و
زینهار در وقت بیرون آمدن کاردها را دور نکند و سلیها را نیز دور نکند
و پای راست از مندل بیرون نهد و این پنج اسم را بخواند و بر خود دمد و تعویذ
کرده باشد و در گردن بسته باشد هر بار وقت بیرون آمدن از مندل چهل
یکبار بخواند و بخود دمد و بعد از آن بیرون آید تا بسلامت بماند و مدت
تسخیر وی صد و چهل یکروز است وان پنج اسم اینست یا فیفوشرون یا مَلهَیمَیشِ
یا دَرِیوشرُوشِ یا طَهمُونَوایشِ یا جَلدُورَشِ در روز بیست پنجم حرارت
و طپش در دل وی افتد و همه دنیا بچشم وی سرخ نمودن گیرد و بغایت ترسان
و خواب از چشم خود برود و هر شب بصورتهای عظیم بهیبت خود را نمودن
گیرد و بغایت ترسان و خواب از چشم او برود هر شب بصورتهای عظیم
بهیبت خود را نمودن گیرد و اگر خواب رود در پاهای خون بیند و در پاهای
آتش بیند و بر مثال کوههای خون بیند چون چنین شود آهن در دست
او نرم گردد که هر چه خواهد تواند کردن و روی و اندام وی بر مثال لعل
شود و او میان از وی بغایت ترسان شوند و خود را در پیش او پست
و حقیر بینند و دانند که بوی نشاید مشغول شدن و جمله امرا و پادشاها
از دل و جان مطیع شوند و دوست داری وی کنند و چون شب
چهل یکم شود مریخ بصورت خوفناک بیاید و با وی بر سرخ بیاید
چنانکه میان گرفته بود و در میان آنان بر سرخ کوههای آتشین تبیند و
مریخ را ببیند بر حیوان بر مثال گوسفندی سوار اما عظیم بزرگ باشد

ShivaDoc.com

چنانکه از کوه عظیم بزرگتر بود و بر مثال گنبدی سرخ مریخ نشسته باشد چنانکه
و تیغ بر دست گرفته و آن تیغ برهنه باشد و بهر دو دست گرفته باشد و تاج
سرخ بر سر نهاده و جهان آن در لرزش باشد و بر اندام وی نیز لرزش باشد
زینهار نگریزد و نترسد که بد بود و بعد از ساعتی ده طبق بر سر ده کس سرخ
روی پیدا شود و بر هر طبقی هفتاد هزار یاقوت سرخ بود و هفتاد هزار
لعل رمانی و هفتاد هزار سنگ سرخ هندوستانی بود و بر هر طبقی
یک تاج از لعل بود و یک دواج از یاقوت و یک خاتم در دست یک دانه
یاقوت بود و نام این کس بدان انگشتری نوشته بود بدست خود نشاد
کند مریخ بر سر این کس و این کس را در کنار گیرد و بفشارد خدایتعالی ببرکت
کنار گرفتن مریخ این کس را زور هفت شیر بدهد و غضب هفت پلنگ
بدهد و قوت و گرانی هفت پیل بدهد و بعد از آن مریخ گوید ای دوست
من همه جهان از من میترسند و دشمن میدارند خدایتعالی تو را دولتی عظیم
تا مرا دوست گرفتی و مرا آشنائی خواستی اکنون من تو را در هر چه از دنیا
دوست تر گرفتم و بر خود گرفتم که هر چه تو خواهی آن کنم بعظمت و بزرگی خدا
و خاتم خود را بتو دهم اکنون بگیر این خاتم را اگر خواهی که همه دشمنان از مشرق
تا مغرب باشند جمله را معدوم کنی توانی و اگر سنگها در دست گیری و خواهی
که همه لعل و یاقوت شود توانی و اگر خواهی همه دیگها و برگهای درختان را
یاقوت و لعل سازی توانی بگیر این خاتم را و زینهار تا از حابض و جنب
نگاهدار و چشم کس باید بدو نیفتد تا در زحمت نمانی چون این سخنان را
بگوید و برخیزد برود و بخورات وی اینست صبر فلفل سیاه افیون
دارفلفل پوست نارنج عنبر انبوس جمله را عجین کند و هر روز
و هر شب بسوزاند و باید که اول نیک بگوید و باهم بیامیزد بقدر
حاجت بکار برد والله اعلم بالصواب صورت مندلا اینست

ShivaDoc.com

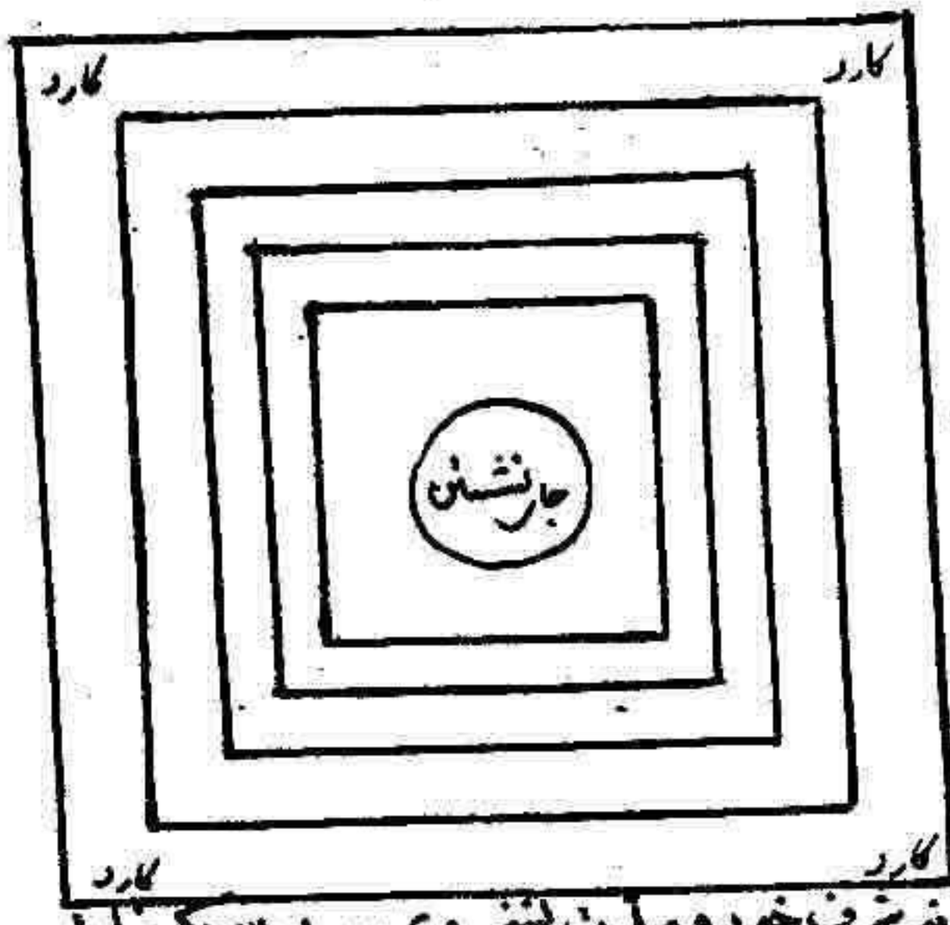

اگر خواهی که زهره را تسخیر کنی چهل و سه روز روزه دار و بعد از آن خانه را بگچ بیندای و زهره آنخانه را بخاک سرخ و گچ محکم کن و مندل بکش بسه مبل سه خط مربع طولانی غاز از روزی کن که نزد یک بود آفتاب بخانه خود باشد شرف خود و مدت تسخیر وی صد و سی بگرو است هر روز دو بار و هر شب وقت صبح یکبار باید که در مندل در آئی و بخورات بسوزانی در روز هشت مثقال و در وقت صبح سه مثقال و در مندل بنشینی و این عزیمت را هفتصد یکبار بخوانی و چون از مندل بیرون آئی این سه اسم را بخوان بخود بدم و از مندل بیرون آی ولی جامهای سفید پوشی و دایم خود را پاک داری و اکثر اوقات بخواندن قرآن و اشعار بزرگان مشغول باشی و چون دلت بگیرد در بوستان روی و در صورتهای خوب نگری و آن سه اسم که گفتیم اینست یا طَلْهَبْطَاشِ و یا طَلْعَمْیَاشِ فَرْهُونَشِ و چون از مندل بیرون آئی ترسی که در وی خوف نیست چون بیست و یکروز بگذرد در چشم مردم خوب نمائی و دلت صاف شود و آواز تو بغایت خوب شود و اگر پیر باشی جوان شوی و جمله علمهای موسیقی و شعر گفتن و دانستن علم ادوار و ساختن تصنیفهای مشکل بر تو آسان شود و غم در دلت نماند و جمله زنان عالم از خوب صورت و زشت روی و پادشاه و امیر و مطرب و دختران و پیران و جمله سازها روی زمین چون چنگ و عود و بربط و موسیقار و نی و رباب

ShivaDoc.com

وغنچك ودف زدن وپای کرفتن ودل بردن برتو روشن شود وهمه راه
بلانی که مبرا زان ممکن نباشد در هیچکس وندانند واوازت بغا بنی
خوش شود که اکر زن کران باز بشنود حمل برو مبین نهد وازغایت
خوشی وازش هرکه بشنود دیوانه شود وبی تو نشکیبد وعاشق تو
کردد البته وغیر از تو نخواهد که کسی را ببیند وخوب روی وخوب چشم
کردی چنانکه زبان حیران کردند واوازه حسن وی از مشرق تا مغرب برود
اکر خواهی واکر نتوانی وچون شب سی ویکم شود در وقت صبح از آسمان سیم بینی
که روشنائی پیدا شود ودرمیان آن روشنائی زهره روان شود که همه جهان از برق
روی او حیران باند وروشنائی وی سفید بود وبر مرکبی نشسته باشد سفید واز یک تا
مروارید بود زبان مرکب وان بر مثال نقره خام سفید بود وچشمهای وی زرد بود وکوشها
از مروارید بود وباز زهره هفتاد صورت بود که خوبی آنرا وصف نتوان کرد وبر سر
هر صورتی طبقی از نقره بود پر از مروارید که یکی از آن خراج هفت اقلیم بود بر سر آنکس
نثار کنند وهمه خدمت کنند واین زهره سخن کوید وبا این کس لطف بسیار کند
واز رنجها ومشقتها نترسد وفرود آید وبا این کس بنشیند ودر خنده ودر بازی
در آید وبا این کس از غایت حیرت بیخود شود وغش کند زهره بدست سر کی بردارد
بر زانوی خود کذارد تا این کس از بوی کی بهوش باز آید از بوی کی سی سال در عمر این
کس بیفزاید وچنان خوشبوی شود که هرکاه از راهی کذرد تا یکماه بوی در آن راه باشد
که مردم بیخود شوند وبعد از این نتواند کفتن که دیکر چها شود وهیچکس را فکر وعقل
بدینجا نرسد انکاه خاتم خود بیرون کند وبکوید که بکیر این خاتم را تا در جهان تو را هیچ
چیز احتیاج نماند واز غمها بیغم کردی وجمله نیکوهای عالم روی بتو آرند وجمله خوبان عالم
وجمله مرواریدهای عالم ونقرهها عالم از آن تو شود تا چندین علوم دیکر که کفتیم وتو را
بدود وهرکه خواهی باید بآن خاتم سفید که آنماه شب چهارده روشن نباشد وخط سبز
بروی نوشته بود وآن اسماء بزرک خدای جل جلاله بود وبخواص وی این است رمیعه بابسه

ShivaDoc.com

کافور لادن بیخ سوس مشک بخور را باید که نیک بکوبد و انکاه عجین کند او زان
بداند و هر دو بار بسوزد و هشت مثقال دیگر شب بسوزد والله اعلم منه الحق

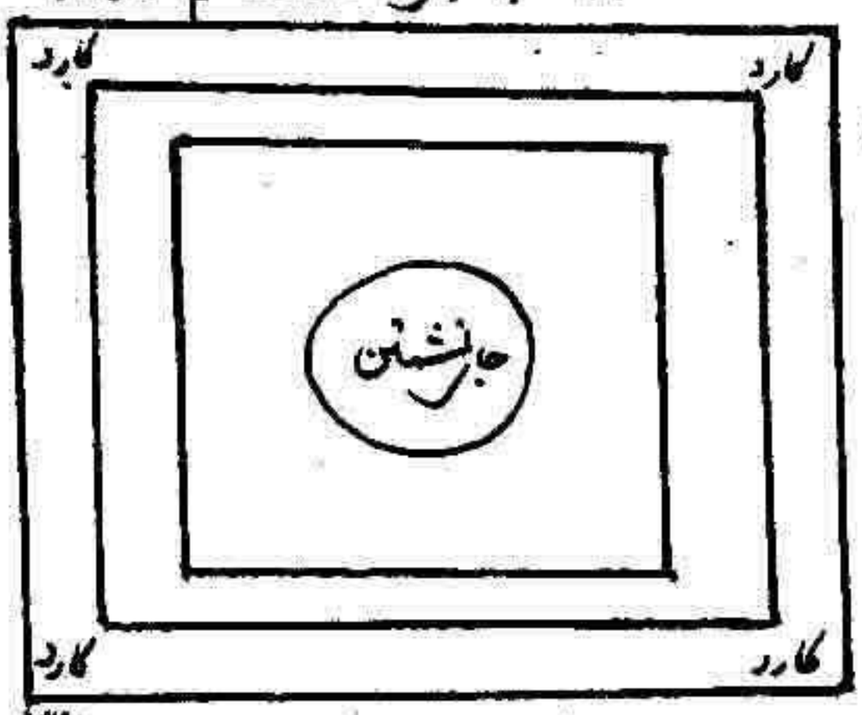

وعزیمت وی بغایت بزرگست
واسم اعظم حق سبحانه وتعالی
در این عزیمت است و زینهار
که شک نیاوری که کرده و دیدم
و دانستم و عزیمت این است
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم ایها
السیده السعیدة المنبسمة بحق
عَبَدَلُوشٍ وَجَلهَمُوشٍ وَقَرْهُوطاشٍ وَهَلیمُوطَشیبٍ وَهَلعُومَرْبِشٍ وَعَلهَمُوشٍ
وَسَرعُوهِنداشٍ وَعِبهوطَهاشٍ وَکَیفُوذِراتٍ هَیلطَمَبٍ طَلطَبُوسٍ اجب دعوتی
بارِندَاشٍ عَلبُوناشٍ دَهطارِبِشٍ بِمَرحَیّ القَیّوم الدّائم العظیم

چون خواهی که تسخیر عطارد کنی شش روز روزه دار و
ازان جامه کبود در پوش و کونه کبود در پوش و هشتاد روز میباید ما صد و بیست
یک روز است چون هشتاد روز بگذرد علامات ان ظاهر شود چون جامه در پوشید
باید که خانه پیدا کنی پاکیزه و در کو مندلی بکش بسه میل پولاد و چهار کارد فولاد در چهار
گوشه مندل فرو برو هر روز دو بار بخور بسوزان و در مندل بنشین و عزیمت تسخیر را
صد و یکبار بخوان و این سه اسم را در وقت بیرون مدن از مندل بخوان و بر خود بدم و بنویس
ای در هر بار چهار مثقال بخور بسوزان و میباید دایم با طهارت باشی و هر روز یکبار
غسل بیابی و جامه ها را پاک داری و در وقت خواندن در تکفر باشی در چگونگی وی
چون مدت هشتاد روز بگذرد جهان در چشم تو سبز نماید و خرم شوی و مست گردی
و صورتهای خوب در چشم تو نمودن گیرد و هر علوم نجوم و محاسبه و هیات را بیاموزی بی روز
بی استاد بر وی کشف شود و ضمیر جمله خلایق و جمله علوی که تعلق بتسخیر و تاریخات دارد و علم

ShivaDoc.com

هندسه ونقش بندی ونقاشی وعلم اکسیر وتاریجات واین از اسرار اولیاء الله است
وقوت بر کرامات وعلم تصوف چنانکه هیچکس در جهان این علوم را نتواند دانستن
واز جمله این فنون واین علوم غالب باشی چنانکه اصول وفروع را بدانی واز حکمت خدای
جل جلاله وچون شب بیست ویکم شود شخصی از آسمان فرود آید بتختی پر از زمرد وپایهای
آن تخت از یاقوت وبدان تخت مردی بینی که هرگز بدان خوبی صورت نباشد وجامه
سبز پوشیده باشد وعمامه سبز بر سر نهاده بود ونور از جبین وی درخشان بود وخوش خلق
وخوش محاوره وخوش خوی بود وکتابی در دست وی باشد که نور از وی درخشان باشد
وآن کتاب را بگشاید وچون چشم تو بدان کتاب افتد عمر تو بیفزاید ودرد تو نورانی شود
جمله علوم عشق ووحدت آنها که گفتیم نیز بر تو کشف شود آنگاه وی بگوید ای بنده
عزیز خدای جل جلاله هر چه میخواهی از من بخواه خاتم او را بخواه وبگوی مقصود من جمال تو
وآن خاتمی که بآن بهر رنگ وبهر صورت که خواهند توان مبدل شدن وبعالم علوی
توان رفتن وهر چه خواهم توانم کردن گوید که بگیر وخاتم خود بتو دهد آن خاتم کبود بود
وبوی بخط نور یعنی زر داسم بزرگ خدا بخط نوشته وگوید که زنهار بکسی منمای وبرو
وآن اسم اینست یا عبد ثوش فرهبوث شهلبعلیش چون خاتم را بگیری وی برود
ویکی ورق در کنار مندل بیابی که سیصد نوع تسخیر بود پری واهل خطا وغیران در
باشد وچندین غرایب وعجایب بگفتن راست نباید بینی بر تو معلوم شود وصا
کشف واسرار شوی وصورت مندل وعزیمت تسخیر اینست بسم الله الرحمن الرحیم

عزمت علیکم ایها الملک الفاضل
الناطق المطلع علی سرایر
الحکیم الغامض بحق
بحق فرهونایش هیطبش
بحق عزعبوس وهطغبوث
وفوطبوث فرهبوعرش

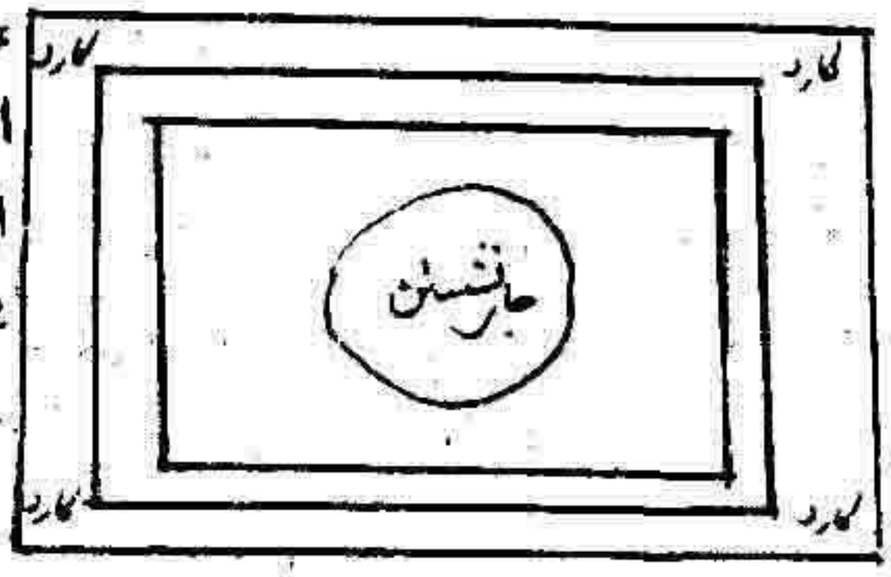

ShivaDoc.com

جلهمهث ترهوث هشلجمهوث طرشیاش مهطوراش خمدفوش حلمدهوش
نیراش علمیطاش اجب دعوتی بحق هذه الاسماء یا ذرائیش ملیئش بعزة الله وعزة
هذه العظیمة اگر خواهی

که تسخیر مرکبی سی روز روزه دارد و بعد از آن خانه را یکی بیندای و در گرد مندل بکش
و زمین خانه نیز کج اند و دکن و پنج خط بکش و یکی چوب انار بیاورد و بر گرد این خانه را
با ابریشم سبز بیاویزد و مندل را بچهار میل نفره بکش و یک کارد فولاد در سر چهار
فرو بر بند و بر چهار طرف نیز چهار کارد فولاد فرو برد و هر روز دو بار و هر شب
تا روز بخور میسوزد و عزیمت میخوان چون قدیک صبح شود بیرون آی از مندل و
در وقت بیرون آمدن این پنجاسم را بخوان و بر خود بدم و در روز و در آن در وقت
هر بار صد و شصت یکبار بخوان و از بخور هر بار پنج مثقال میسوزد و در شب خواندن
حاجت بعدد نیست و بخور را متصل باید سوختن تا صبح و اگر شب در برابر ماه خوانی
باد ریچه که روشنائی در آنجا اندازد و بهتر بود و قمر را ببینی هم نیک باید و اگر قمر را ببینی
برخیز و ایستاده بخوانی و چون بغروب شود بنشین و مدت تسخیر وی صد و چهل روز است
چون صد و سی روز بگذرد جهان را بغایت نورانی بینی و هر بار که طهارت کنی ابهای
طهارت تو افتد نفره شود و مروارید گردد بقدرت خدا تعالی و جمله خلایق تو را دوست
گیرند و جان و مال از تو دریغ ندارند و همه تو محتاج شوند و پیش تو آیند و تو جمله ضمایر
ایشان را بدانی و همه مقر گردند و چون در خواب شوی در زیر قدمهای خود و در زیر
جامه خود هر مروارید بیابی چون بیدار گردی آنچه از تو باشد بهر که خواهی بدهی و اگر
خوابهای عظیم با هیبت بینی و دل تو بغایت ترسان شود و چون بگریان بینی گریان
شوی و چون این حال شود قمر را نیز ابداند و حجاب زمین از پیش چشم تو برداشته شود
بفرمان خدا تعالی و شب روز تو قمر را ببینی و قمر تو را ببیند چون عاشق و معشوق گردید و
هر چه اگر بقصد تو برخیزند اگر جمله زمینها هر جهان را خراب کنند بیک دم و عقلا را معلوم است
که در فواید وی چه باشد چون حجاب زمین مرتفع شود بعد از آن بیاید بر تخت نشسته و بعشق

ShivaDoc.com

چنان خوب که در وی نتوانی کرد پس دست تو را بگیرد و از منزل بیرون آورد و بر
تخت بنشاند و خاتم خویشتن بنود هد چون خاتم و را بگیری و ببینی و بر چشم مالی عمر
تو هشتاد سال زیاد شود و اگر پیر باشی جوان گردی و خاتم سفید بود و بر وی خط سبز
نوشته باشد اسما الله و عهد کند چنانکه بکسی نمای و از پیش تو برود و خاتم این است
و این پنج اسم که میخوانی و بدمی تا مضرت نرسد این است یا طَیطَیرِثِ یا عَمهَمُوثِ
و بخورانی وی صندل سفید نرجس طری کند سفید یا جَهمُوطیاشِ یا عَرطَمُوشِ
پوست تخشخاش کفک دریا حسب البان زعفران باید که بکوبی آوردن یا بَرَبَ وعجین
کنی و بوقت حاجت بکار بری و عزیمت وی اینست عزمت علیکم ایها الملک الکریم مرسل
الرحمة و معطی المناجح بحق عَزتوشِ یا عَرطَفشِ یا فَرهُوطشِ وَجَبهَرمیشِ شَهیدِ
تاشِ عزمت علیکم ایها الشدید الرحیم المحرک بالحرکة المستمد بحق عَبلوطَرِیثِ شَلحوعَبثِ
طَبضیاشِ هجلهیشِ طَرطوفیاشِ شَلبنوثِ اجب دعوتی یا هاذیشِ زَغانوشِ بعزة
هذه الاسماء العظام و بحق خلقك و منزلاتك

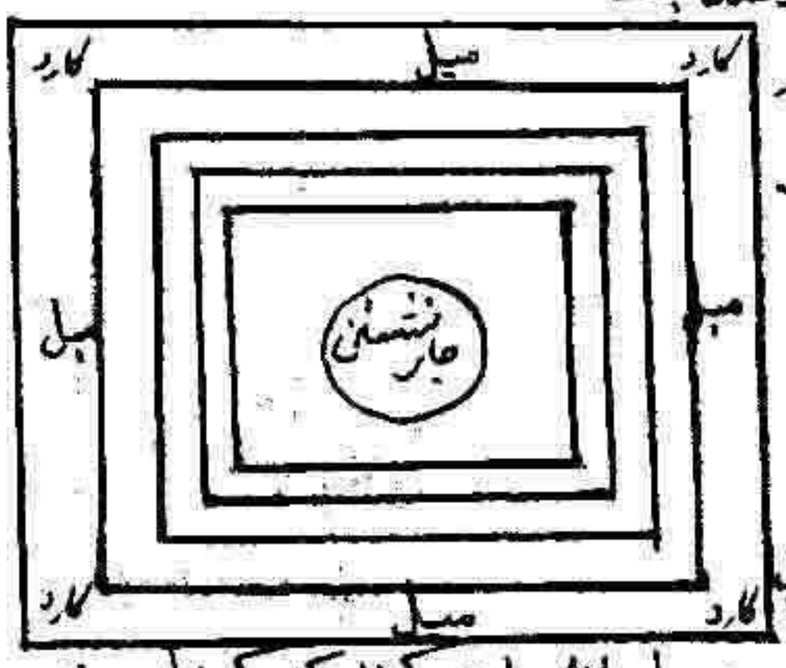

اگر خواهی که تسخیر ملایک کنی چنانکه
ملایکه ملکوت علوی و سفلی و
رضوان و انجهار ملک مقرب
که حاجت باسم کفتن ایشان نیست
و مالک دوزخ و فرشتکان عذاب
و فرشتکان رحمت مانند که در وی شک نیست
شک نباید که از اسرار بزرگی خداست جل جلاله و این بگفتن که چگونه راست
راست نمی باید اگر تو بنده خدای را قرار داری و در دل شک میاور و بکن تا فرشتکان و نام
و بزرگی خدا تعالی میبینی بر بندگان خود و نیز بدانی که من که سراج الدین سکاکی ام چه ها
داشتم و چون اسما را بر بسایط عناصر اربعه و از انجا در گذشتم و کرتی بیا نزاد بدم و با ایشان
نشستم و از ایشان طریقه خواندن اسما را موختم و علوم اول و آخر این فن را از ایشان آموختم

دیجاق